

ضرورت بلوك چپ انقلابی و آلترا ناچیو حکومت شورائی

مردم دیگر نمی توانند وضع موجود را تحمل کنند. بحران اقتصادی موجود، کمر کارگران و زحمتکشان را خم کرده است. میلیونها کارگر با ساعتها کار اضافی روزمره که تباہ کننده جسم و جان آهانست، قادر نیستند حداقل معیشت خود را تامین کنند. با گذشت هرسال، کارگران با وضعیت مادی و معيشی دشوارتری رو برو شده و سطح زندگی آنها دائمًا تنزل کرده است. کارگران ایران به تمام معنا با فقر مطلق رو برو هستند. وضعیت چندین میلیون بیکار از این هم وخیم تر است. آنها حتی از داشتن یک لقمه نان خشک و خالی هم محرومند. جمهوری اسلامی تنها مردم را به فقر و بدبختی و سیب روزی مادری ندارد، این رژیم با احتناق و دیکتاتوری عربیان، ابتدائی ترین حقوق مدنی و سیاسی مردم را از آنها سلب کرده است و هر خواست و لوازم

صفحه ۳

طبقانی که برای درهم کوبیدن نظم موجود، در ایران وزیدن گرفته است، هر لحظه سهمگین تر میشود. تمام ارکان رژیم جمهوری اسلامی، از هم اکنون که تاره نخستین امواج این طوفان وزیدن گرفته، به لرزه در آمده است. تضادهای لایحل نظم موجود، جمهوری اسلامی را با چنان بحران همه جانبه ای در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رو برو ساخته که در طول تمام دوران موجودیت آن بی سابقه است. تمام تلاش رژیم و جناح های مختلف آن برای مهار این بحران همه جانبه با شکست رو برو شده است. رژیم جمهوری اسلامی به همگان نشان داده است که نه تنها راه حل برای تخفیف یا حل این بحران و تضادهای اجتماعی موجود ندارد، بلکه ادامه موجودیت اش با تشديد هرچه بیشتر این تضادها و بحرانها همراه میباشد. از مدت‌ها پیش این حقیقت آشکار شده است که توده

پایان قطعی پلاتفرم خاتمی،
آغازی بر دور جدید
تهاجم طرفداران خامنه‌ای

جنبش اعتراضی هجده تیر، یکبار دیگر ماهیت ارتقای همه عوام‌گردان و دشمنان آشکار و نهان توده های زحمتکش مردم و قبل از همه ماهیت خاتمی و جریانات باصلاح گرای حامی وی را برملاساخت. وقتی که آقای رئیس جمهور، به تبع رهبر و ولی فقیه اش علیه دانشجویان و توده های مردمی که از حکومت اسلامی به تنگ آمده و دیگر نمی خواستند و نمی خواهند آن را تحمل کنند، تعارفات عارفانه را کنار گذاشت و بی هیچ پرده پوشی شمشیر از نیام برکشید و فرمان داد تا "اشوبگران" و مخالفین نظام را قاطعیت سرکوب کنند، با نثار فریاد های تحسین برانگیز جریان رقیب که هلله شادی سرداده بود، پاداش گرفت و آقای ولی فقیه نیز ضمن تأیید "صد در صد" موضع ایشان، از رئیس جمهورش با "قطاعیت" تمام به دفاع برخاست و جانانه از او حمایت کرد. موضوعی که از قبل تراها منجمله از دوم خرداد به این طرف در اینجا و آنجا تجربه و اثبات شده بود که هر جا توده زحمتکش مردم وارد میدان شود و هر جا پای منافع نظام در میان باشد، اختلاف و فاصله جناح ها هر چقدر هم که زیاد باشد، معهدا آنان در کنار هم و در برابر مردم می‌ایستند در اینجا یکبار دیگر، اما این باربا وضوح بسیار شگرفی در معرض دید همگان قرار گرفت. فقط فاصله زمانی یک هفته ای ۱۷ تیر کافی بود تا خاتمی فاصله خود با خامنه ای را که صفحه ۲

گزارش « کمیته تحقیق » نقطه سازش دعاوی ناسخ و منسوخ جناح ها

شدن. خاتمی حمله نیروهای انتظامی به خوابگاه دانشجویان را زشت و ننگ آور خواند و به دانشجویان و عده داد تا پیدا کردن ریشه های پنهان این ماجرا از پای خواهد نشست. بخشی از طرفداران خاتمی برای مهار این جنبش، در شعار، تا آنچه پیش رفتند که خواهان "محاکمه" آمران و عاملان "حمله به خوابگاه" و استغفاری فرمانده نیروی انتظامی شدند. اما دادن و عده و وعد به دانشجویان، در عین استقاده از فرقه برای مقابله با جناح رقیب، منحصر به خاتمی و طرفدارانش نبود. جامعه مدرسانی حوزه علمیه، هیئت های موتلفه اسلامی و سایر دسته جات وابسته به این جناح نیز، حمله به دانشجویان را محکوم کردند و در عین حال، خواستار تسویه حساب با مطبوعات "بی‌ریشه" شدند که به اختلافات دامن می زدند. آنها نیز خواستار بررسی مسئله شدند. اما گذشت یکی دو روز، گسترش اعتراضات دانشجویی و تبدیل آن به تظاهرات خیابانی، مورد حمایت اشاره مختلف مردم کافی بود تا سران حکومت بخود آیند و دریابند که جنبشی که در اعماق جامعه شکل گرفته است و در این روزها با استقاده از روزنایی، امکان ابراز وجود علني و اشکار یافته، توهمات به این یا آن جناح حاکمیت را پشت سر گذاشت ا است و علني و اشکار، مستقیماً کلیت حاکمیت را آماد قرار داده است. از این لحظه، جناحهای مختلف حاکمیت یکصدا، نیروی انتظامی، بسیج و سایر ارگان های سرکوب را در مقابله با دشمن مشترک و سرکوب تظاهرکنندگان، تشویق

برنامه خاتمی، ادامه برنامه رفسنجانی، برنامه تشدید فقر و استثمار صفحه ۲

در این شماره

- کارگران، شوراهای اسلامی کار و تشکل های مستقل کارگری
جنبش دانشجویی را با سرکوب نمی توان مهار کرد
آکسیون های اعتراضی در خارج کشور در حمایت از هیارات انقلابی دانشجویان در ایران
تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۴۰)
کوچ اجباری در افغانستان و تشدید فشار بوزنان
اطلاعیه ها و پیام ها
اخباری از ایران
خبرگزاری جهان

- ۱۲
۱۶
۱۵
۵
۱۳
۱۵، ۱۴ و ۸
۹
۱۱

پایان قطعی پلاکفرم خاتمه،

آغازی بودور جدید تهاجم طرفداران خاتمه ای

تابه سنگر کفار دست پیدا کنیم!

حالا دیگر آشکار بود که جناح خامنه‌ای، تهاجم گسترده‌ای را علیه رقیب تدارک دیده است. طرفداران خاتمه ای، خواهان پیمودن تا به آخر مسیری بودند که جناح خاتمه برای پیشروی آنها هموارکرده بود. آنها در عین سردادن شعار های وحدت طلبانه، مشغول عقب راندن جناح رقیب بودند. خاتمه که در برابر رقیب اکنون دستش حسابی خالی بود و نخستین کام‌اساسی بسمت عقب را برداشته بود، ناچار از برداشتن گام های بعدی بود. تلاش های دو جناح برای سازش ها و بند و بست ها در پشت پرده، وقتی کروپی دیبرکل "مجموع روحانیون مبارز" (و بهمراه او محشتمی) جنجال جدیدی علیه منتظری براپا کرد وعلیه وی سخن گفت و در اینجا نیز یکبار دیگر تمجید و تحسین های جناح مقابل برانگیخته شد، دیگر معلوم شد که در ملاقاتها و زد و بندهایش با کنی دیبر کل "جامعه روحانیت مبارز" امتیازات دیگری داده است و حتی روزنامه سلام و یار دیگرین اش موسوی خوئینی هاهم فراموش شده است. چانه زنی در بالا، دیگر نمیتوانست به نفع این جناح رقم زده شود. همین که کروپی بار دیگر بر "موقعیت سرنوشت ساز کنونی" و ضرورت وحدت جناح ها انگشت نهاد و چنین تصريح کرد که اگر وحدت را فراموش کنیم به فرمایش خداوند متعال "فشل" و "داغان" میشویم و بعد چنین اضافه کرد که "برای ما نه تنها امام، بلکه شخص رهبر و لی فقیه حضرت آیت الله خاتمه ای هم مقدس است" و رعایت حرمت جایگاه ایشان برهمه "واجب" است و خلاصه کسی حق ندارد حرمت ایشان را بشکند، دیگر کاملاً "روشن بود که مجمع روحانیون، این، اصلی‌ترین و قوی ترین جریان حامی خاتمه، از ترس "داغان" شدن مجموعه نظام، حسابی جاخورده و عقب نشسته است.

درست در لحظاتی که جناح خاتمه به این بند و بست ها دل خوش کرده بود و خاتمه از تعویض رئیس قوه قضائیه که برایش "ارامش" و "اید" افریده بود اظهار خوشحالی میکرد و در ملاقاتش با او نسبت به امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری قول همکاری گرفته بود، یزدی رئیس سایق قوه قضائیه هنوز از نماز جمعه تهران علیه دانشجویان و مطبوعات عربیده می‌کشید و سمتگاه قضائی را به بستن و گرفتن و کشتن تشویق میکرد، هاشمی شاهروند رئیس جدید قوه قضائیه نیز مشغول تعطیل روزنامه نشاط بود و مجلس ارتاجع هم بر قانونیت نظارت استصوابی شورای نگهبان صراحة می‌داد و تلاش های چندین ساله جناح مقابل را به گرفتن امتیاز در این زمینه، بلکی بی شمر ساخت.

مسئله طرفداران خاتمه ای اکنون اما فقط حفظ مواضع و سنگرهای پیشین نبود، مسئله این بود که این جناح، موقعیت را برای تهاجم و حمله و هرچه عقب تر راندن حریف مساعد یافته بود. اگر که مطبوعات اساساً "وسلیه ای شده بود تا حریف مواضع خود را جا بیاندازد و از آن بمثابه یک ابزار موثر و کاری، علیه این جناح استفاده کند، پس نوک تیزاین حملات هم مبایستی همچنان متوجه مطبوعاتی می‌شد که در حمایت از خاتمه مطلب مبنوشت و انتشار می‌یافت. البته در این زمینه

در صفحه ۱۰

کارانداخته بود. صدور فرمان سرکوب "آشوب گران" کوبیدن مهر پایان قطعی برپلاکفرم اصلاح گرایان بود. خاتمه می خواست به روش خود با پلاکفرم خود حکومت اسلامی را از خطر "آشوب" و قیام برها نهاد، اما وقتی که "آشوب" و قیام را در برابر حکومت دید، هیچ تردیدی در توسل به اهرم قهرو سرکوب و همراهی با پلاکفرم خاتمه ای بخود راه نداد. اینجا همان طور که خاتمه هم گفت، علیه نظام و رئیس جمهورش اعلام جنگ شده بود و امنیت نظام بخاطر افتاده بود. "امنیت نظام" اما "شوخی بردار" نبود و نه تنها هیچ جایی برای "تسامح و تساهل" باقی نمیگذاشت، که مبایستی بر وفق منافع طبقه حاکمه و طبق روش همیشگی حکومت اسلامی "با قاطعیت" در برابر آن می‌ایستاد. خاتمه که جنبش انتراضی دانشجویی و تظاهرات توده ای را ضد امنیت و ضد پایه های نظام خوانده و از آن بعنوان حادثه‌ای "نفرت آور" یاد کرده بود، بعدها خوشحالی خود را از سرکوب جنبش دانشجویی توسط پاسداران و اوباشان و بسیجیان چنین بیان کرد که "بسیج به نمایندگی از ملت در جریان غائله آفرینان اخیر تهران در صحنه حضور یافت و توانست با برقراری امنیت جامعه، اقتدار نظام جمهوری اسلامی را به نمایش بگذارد." خاتمه اما با فرآخواندن بسیجیان و اوباشان به حضور در صحنه و سرکوب "غایله آفرینان" امنیت و اقتدار نظام را تامین نکرده بود، او دین سان، عملاً راه را بر غایله آفرینان جناح مقابل و برای پیش روی آن و تضعیف و عقب رانده شدن جناح خویش گشوده بود.

طرفداران خاتمه ای به

مطبوعات و دولت هجوم می‌برند

اکنون دیگر جناح خاتمه ای از موضع قدرت به حریف نهیب می‌زند. دوم خردادری ها را بخاطر تعلل و تأخیر نسبت به موضوعگیری علیه دانش جویان و اعتراض کنندگان مورد حمله قرار می‌دهد. فریادهای اعمال خشونت حداکثر، همین افراد وابسته و سرشناس این جناح از هرسو بلند می‌شود و به موضوع اصلی بلند گوهای نماز جمعه تبدیل میگردد. مصبح یزدی، آشکارا ضرورت ریختن خون دانشجویان و مخالفین را بیان می‌کشد. نقدی اعتراض میکند که چرا اعمال قوه قهریه، صرفاً در محدوده "شاخه عملیاتی توطئه" نگاه داشته شده و به عرصه "شاخه سیاسی توطئه" تعییم داده نشده است! او ضمنین یادآوری فتوحات خود در جریان حمله به دانشگاه و اعمال قهر و خشونت و کشtar دانشجویان در زمان خمینی، از ضرورت کشtar دانشجویان صحبت می‌کند و حتی پارا از این هم فراتر نهاده و می‌گوید "هیچ چیز از مونم در نزد خدا عزیزتر نیست اما اگر همین مومن سنگر کفار شود، حکم و فتوا این است که او را بکشیم

حامیان وی روی آن تبلیغات زیادی راه انداخته بودند، پرکند و یکبار دیگر جایگاه خود و پرسوه دو ساله ریاست جمهوری اش را در این برش مقطوعی اما بسیار برجسته و گویا به نمایش بگذارد. این موضوع یکبار دیگر صحت تحلیل سازمان ما را که جناح‌های حکومتی سروته یک کرباسند و در حفظ حکومت مذهبی و ارتقاگی و تداوم نظم ستمگارانه و استثماری دست در دست هم دارند" ید واحده "اند، به اثبات رساند. خاتمه اما در ۲۳ تیر نقطه پایانی بر ۲ خرداد گذشتند بود. اگر که جناح خاتمه ای در جریان انتخابات رئیس جمهوری و از دوی خرداد ببعد به یکرشته عقب شینی های تزن داد، امروز هر کسی می‌داند که این، نه بخاطر قدرت جناح خاتمه، بلکه از ترس مردمی بود که از مجرای دوی خرداد وارد صحنه سیاسی شده و خاتمه را در اساس وسیله و بهانه تحرك و پیشروی خود قرار داده بودند. شکاف عمیقی که در دستگاه حکومتی ایجاد شده بود، تضادها و اختلافات در راس حکومت را تشید می‌کرد معهذا اکنون مسئله صرفاً در اختلاف و درگیری دو جناح خلاصه نمی‌شد. اینجا نیروی سومی به میدان آمده بود که هیچکس نمیتوانست آن را از معادلات سیاسی حذف کند. ورود ایندرو به صحنه بود که موجب رقم خوردن معادلات در بالا بتفع خاتمه میشد و پلاکفرم خاتمه را تا حدودی از پلاکفرم جریان مقابله می‌ساخت. جناح خاتمه ای چنین مطرح میکرد که طرفداران خاتمه، سیاست فشار از پائین و چانه زنی در بالا را بیشه کردند. اما واقعیت این است که تا آنجا که مربوط به چانه زنی در بالا است، جریان خاتمه ای امتیاز دادن نبود _ و نیست_. دیگر، خاتمه هم‌اهل فشار از پائین نبود _ و نیست_. اما این حقیقتی است که ترس از پائین وجود داشت و این ترس، یک ترس واقعی بود. ورود گستردۀ مردم به صحنه و طرح کم سایقه مطالبات آزادی خواهانه و بالاخره زیر سوال بردن مستقیم نهادهای حکومتی، ترس اور بود. هر آینه این احتمال وجود داشت که کنترل اوضاع از دست جناحی که رسالتش کنترل مردم بود و بعد هم از دست کل حاکمیت خارج شود. همین مسئله بود که جناح خاتمه ای را به امتیاز دادن و امی داشت و به عبارتی دست خاتمه را هنگام چانه زنی در بالا باز می‌گذشت، و گرنه قدرت جناح خاتمه و چانه زنی اش در بالا، پای چوبینی بیش نبود. اصل، این مردمی بودند که وارد صحنه سیاسی شده بودند و خاتمه به نفع اهداف خویش از چنین امکانی سود می‌جست، هرچند که مردم نیز از فضای ایجاد شده و در شکاف حکومتی، به نفع مبارزه خود سود می‌جستند در عین آنکه در کمین یکسره کردن کار رژیم نشسته بودند. خاتمه اما درست در همان لحظه ای که دستور شلیک بسوی چنین هم فراتر نهاده و می‌گوید "هیچ چیز از مونم در نزد خدا عزیزتر نیست اما اگر همین مومن امکانی را نیز پرتاپ کرده بود و پایی را که در مواجهه با رقیب، به او قدرت و تحرک میداد، از

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحه برانداخت

ضرورت بلوک چپ انقلابی و آلترا ناتیو حکومت شورائی

اکثریت، بنی صدر، جمهوری خواهان ملی ایران، حزب دمکرات کردستان و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را وادارد که زیریک فرخوان مشترک را امضا کند و مشترکاً" دست به تظاهرات بزنند؛ البته این جریانات متحدهن دیگری در خارج و نیز متحدهنی در داخل دارند که صفو آنها را تکمیل میکنند. هرچه جنبش رادیکالتر می شود، چپ لیبرال، رفرمیست و متزلزل نیز بیشتر به سمت پورژوایی گرایش پیدا می کند. و این گرایش زمانی بیشتر خواهد شد که از یک سو سرنگونی رژیم به امری قطعی تر تبدیل شود و بورژوازی برای مهار جنبش و سرکوب انقلاب راه دیگری جز این نداشت باشد که با طرح شعار مجلس موسسیان، به دمکراسی ایده آل چپ لیبرال پاسخ مثبت دهد. از هم اکنون میتوان دید که چگونه یک جبهه واحد بورژوازی، حول شعار مجلس موسسیان برای ایجاد یک جمهوری پارلمانی بورژوازی در حال شکل گرفتن است. این یک خطر جدی برای انقلاب توده های مردم و حاکمیت کارگران و زحمتکشان است. از هم اکنون خطر این صفت بندی را باید جدی گرفت. البته انقلاب تنها از جانب این طیف تهدید نمی شود. همانگونه که خطاپاین طیف بویژه هنگامی بسیار جدی است که جنبش اعتلاً یافته توده های مردم، سرنگونی رژیم را به امری قطعی تبدیل کند. در همین اوضاع سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت آن نیز خطری بسیار جدی خواهد بود. سازمان مجاهدین خلق که ظاهراً در لحظه کنونی چندان خطری محسوب نمی شود، به علت سازمان یافته کی فوق العاده بالا و بالنتیجه سرعت عملش، در شرایط فوق العاده بحرانی میتواند به "تنها آلترا ناتیو" بورژوازی داخلی و بین المللی تبدیل گردد و ابتکار عمل را ازدست توده های مردم بگیرد.

در مقابل این بلوک بندی ها و آلترا ناتیوهای بورژوازی که با اعتلاً هرچه بیش جنبش، خطر آنها نیازافزون تر خواهد شد، چپ انقلابی در چه موقعیتی است؟ درست است که چپ کمونیست و انقلابی نقطه اتکائش مبارزه و ایتکار عمل کارگران و زحمتکشان می باشد و از آنجائی که این چپ از خواسته های رادیکال و انقلابی توده مردم دفاع می کند، با اعتلاً روز افزون جنبش پیدا می شود. همانگونه که در اینجا مذکور شد، متشکل شدن توده حول شعار های رادیکال، چشم انداز روشی برای تبدیل شدن به یک نیروی اجتماعی قدرتمند دارد. معهداً این هنوز منوط به شرایط و تحولاتی است که باید رخ دهد و طبیعی است که نیروهای ضد انقلاب نیز بیکاران نشسته و می توانند تاثیر خود را بر جریان تحولات و سد کردن راه پیشرفت انقلاب، قدرت کارگران و زحمتکشان و تبدیل شدن چپ بیک نیروی قدرتمند، بر جای بگذارند. چپ در قبال این خطرات چه می تواند وچه باید بکند؟ نخست باید واقعیت کنونی چپ را دید. چپ انقلابی هم اکنون نیز نیروی بسیار وسیع و قدرتمند است، اما قدرت آن بالقوه است نه بالفعل. ضعف عده چپ انقلابی پراکنده و بی سازمانی آن است. نیروی چپ در سازمان های متعدد و انبیوهای از نیروهای منفرد تجزیه شده و به تحلیل رفته است. این پراکنده نه تنها مانع از شکل گیری چپ انقلابی بعنوان یک نیروی قدرتمند و آلترا ناتیو جدی شده است، بلکه باعث شده که در عمل، بخشی از نیروی چپ مستقیم و غیرمستقیم به سیاهی لشکر جریانات بورژوازی و سازمانهای دمکراتیک تبدیل شود. مکرر دیده ایم که چگونه جریانات بورژوازی با استفاده از

جنیش مسلمانان مبارز، بقایای جبهه ملی، حزب ملت ایران، جمهوری خواهان ملی ایران، حزب توده و اکثریت بخش های از سلطنت طلبان و گروههای کوچکتر بودند. اما این طیف محدود به همین جریانات نبود، بخشی از چپ متشکل و متفاوت در این صفت بندی قرار گرفت. میتوان گفت لااقل بخشی از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران که شعار طرد ولایت فقیه را مطرح نمود و شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی را به فال نیک گرفت و بخشی از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در این صفت بندی قرار گرفتند. فراموش خواهد شد که راه کارگر پس از انتخاب خاتمی، ازانقلابی نظیر انقلاب بهمن سخن گفت و اندکی بعد سرشناس ترین سخنگوی این سازمان رسماً "دفاع از خاتمی را مطرح کرد. برغم این که دوران زمامداری خاتمی در دو سال گذشته آشکارا ششان داد که جمهوری اسلامی حتی در محدوده سیاست های خاتمی اصلاح پذیر نیست، معهداً این صفت بندی همچنان باقی است و با اندکی تغییرات باقی خواهد ماند. نیروهای این صفت بندی برغم این که هنوزم دل از خاتمی و استحاله درونی رژیم نکده اند، خود را برای شرایط بحرانی تر آماده می کنند. تشديد تضادها و بحران ها در دوران خاتمی و رشد مبارزات که اعتلای جنبش دانشجویی در تیر ماه آن را به نمایش گذاشت، تردیدی باقی نمی گذارد که محتمل ترین چشم اندان، اعتلاً هرچه بیشتر جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. لذا جریانات بورژوازی و چپ های لیبرال، توام با رشد و اعتلاً جنبش صفو خود را متشکل تر خواهند ساخت و با شعار های جدیدی برای مهار جنبش پیش خواهند آمد. به اصطلاح چپ ترین آنها در پی جنبش دانشجویی و هنگامی که "کاملاً" روشن شد، نمی توان مردم را به خاتمی امیدوار ساخت، شعار رفاندم را در برابر شعار سرنگونی قراردادند. البته این شعار پیش از این، از سوی سلطنت طلبان و در محدوده ای از سوی مجاهدین خلق با نظرات سازمان ملل مطرح شده بود. معهداً این هنوز پایان قصیه نیست. جنبش رشد و اعتلاً بیشتری خواهد یافت. هرچه مبارزه کارگران و زحمتکشان کسترهای ترسوه همگین ترشود، بورژوازی متحد تر دست به عمل خواهد زد. جریانات متزلزل که ظاهراً در صفو چپ قرار دارند، اما از انقلاب می ترسند، بیشتر به صفو بورژوازی نزدیک می شوند و با آنها متحد می گردند. مقدمات این امر از هم اکنون فراهم شده است. برخی سازمان ها که گویا هنوز ادعای چپ و کمونیست بودن دارند، اکنون ابائی ندارند که با جریانات بورژوازی متحدان" دست بعمل بینند. تازه ترین آن فرخوان مشترک نهضت مقاومت ملی ایران که رهبر سابق آن شاهپور بختیار بود، حزب دمکراتیک مردم ایران، اکثریت، بنی صدر، شورای موقت سوسیالیست های ایران، جمهوری خواهان ملی ایران و اتحاد عمل برای دمکراسی متشکل از راه کارگر، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، از طرف اپوزیسیون قانونی، نیمه قانونی و غیر قانونی، خرد بورژوازی مرffe و بورژوازی بین المللی پشت سر خاتمی به صفت شدند و به حمایت از او و برنامه هایش پرداختند. نمایندگان سیاسی این طیف در درون هیئت حاکمه، مجتمع روحانیون، کارگزاران سازندگی، مجاهدین انقلاب اسلامی خانه کارگر و در خارج از آن نهضت آزادی،

گزارش «کمیته تحقیق» نقطه سازش دعاوی ناسخ و منسخه جناح ها

قبل از شکل گیری حرکت و در حین سرکوب دانشجوئی است، اما بدیهی است که مورد توافق همه طیف های درون و پیرامون حکومت نباشد. نیروهای با "گرایشات افراطی" از هردو جناح حتی قبل از انتشار علی گزارش، و در روزهای پس از انتشار آن، به شکل علی آنرا زیر ستوا بردن. سه روز قبل از انتشار گزارش، نمایندگان مجلس وابسته به "جناح راست"، دوباره در مجلس طرح تشكیل کمیسیون تحقیق مجلس حول این مسئله را طرح کردند. این طرح بعده به تصویب رسید. یزدی رئیس پیشین قوه قضائیه، روز قبل از انتشار گزارش، از رئیس مجلس تشکر کرد که با پیش کشیدن بحث تحقیق و تفحص توسط مجلس، در راه روشش شدن پیشتر حقایق گام برداشته است. نویخت سخنگوی هیئت رئیسه مجلس نیز در ارتباط با طرح مجلس برای تحقیق و تفحص گفت: "مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم نمیتوانند بدون توجه به مسئولیتی که در قبال ملت بنزگوار ایران دارند، از کنار این حادثه پیگذرند و به تحقیقی که در واحد دیگری صورت گرفته بسندن کنند". یکی از نمایندگان وابسته به "جناح راست" مدعی شد که از ۷ نفراعضای کمیته تحقیق، ۴ نفر از اعضاء مخالف برخی از مواد تنظیمی در اطلاعیه بودند و این ۴ نفر معتقدند که کمیته در صدور این بیانیه با صداقت با مردم برخورد نکرده است. جنی ایکسر مدعی شد که اطلاعیه بدون اطلاع برخی از اعضای کمیته صادر شده است.

از جناح مقابل، اعضا شورای شهر تهران بر تشكیل کمیته ای توسط این شورا تاکید کردند. صدیقه و سمعی سخنگوی وقت شورای شهر تهران و یکی از اعضای کمیته تحقیق شورای شهر تهران در توضیح این اقدام گفت: "متاسفانه گزارش هائی که پیرامون این حادثه داده شده و حتی گزارش شورای عالی امنیت ملی ابهامات زیادی داشت که هم ما وهم شهروندان میخواهند این نقاط ابهام روشش شود". او گفت "طبق اطلاعاتی که به ما داده اند، عده ای کشته شده اند". رئیس دانشگاه تهران و معاونت این دانشگاه نیز گفتند که گزارش بسیاری از واقعیات را ناگفته گذاشته است. همه این واکنش ها در شرایطی انجام گرفت که گزارش کمیته تحقیق، مهرتاپید خامنه ای و خاتمی را بر پیشانی داشت. در مقابل این گزارش کمیته صورت گرفت، خاتمی اعلام کرد این گزارش قبل از انتشار توسط او و خامنه ای تائید شده است. اما این تاکید نیز نتیجه ای نباشد، از هر دو جناح اعلام تردید نسبت به مفاد این گزارش ادامه دارد.

سازمان دهنگان "کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی" تا آنجا که به مقابله با "غیرخوبی ها" و مخالفان حکومت پر میگردد، تمام انژی شان را یک کاسه کردن و با سرکوب جنبش، دستگیری صدها تن و محدود کردن هر گونه فعالیت دانشجوئی، حتی در قالب تشكیل های اسلامی، نوعی حکومت نظامی در دانشگاه برقرار کردن. اما از آنجا که مسئله سازش جناح های مختلف حکومت مطرح است، بحث کمیته تحقیق هنوز باز است. چنان اینبوی شده که هر روزی یکی از جناحها و یا فردی از آن می تواند با دستاویز قرار دادن آن، نقش دیگری را افشا کند.

خوابگاه می آیند، کارت شناسائی نخواهد، تا به این ترتیب نیروی کمکی برای ترتیب حرکت اعتراضی وارد خوابگاه شود.

گزارش ضمن تاکید براینکه تشكیل های دانشجوئی - منظور دفتر تحکیم وحدت و طرفداران خاتمی است - نقشی در سازماندهی این حرکت نداشته اند. بر نقش "عناصر مشکوک و ماجراجو" در دامن زدن به این مسئله تاکید می کند. اصولاً روح گزارش، تبرئه دوچنان اصلی حاکمیت، و معرفی "عناصر مشکوک و ماجراجو" و "افراد و گرایشات افراطی" از هردو طرف بعنوان عاملان واقعه است. در برخورد به "عناصر مشکوک و ماجراجو" دانشجو که میتوان دریافت منظور انشجويان مستقل و غیر وابسته به جناههای حکومت هستند، گزارش صریح و قاطع است و علاوه بر بیان نقش آنها، به وزارت اطلاعات، به وزارت آموزش عالی و ... رهنمود و به بیان بهتر دستور میدهد که نقش این افراد را روشنتر کنند و با محدود کردن فعالیت های دانشجویان و تشكیل های دانشجوئی را بگیرند. اما آنچه که "عناصر ماجراجو" همراه نیروی انتظامی موضوع بحث هستند، گزارش با نهايی احترام، سعی می کند تا آنچه که ممکن است هویت آنها را مخفی کند و نقش شان را در سرکوب دانشجویان کمرنگ چلوه دهد. جایه جا هم تاکید می شود که این عناصر به شکل سازمانی سرمقابله با دانشجویان شرکت نکرده بودند.

بخشی از گزارش که به عملکرد نیروی انتظامی در این واقعه اختصاص دارد، به راستی تماماً توجیه و لپوشانی واقعیات است. جالب است سه روز قبل از انتشار گزارش، در جلسات محترمانه مجلس برای بررسی وقایع کوی دانشگاه، تیمسار لطفیان فرمانده نیروی انتظامی در پاسخ یکی از نماینده وزیر آموزش و فرهنگ عالی، رئیس اداره اطلاعات سپاه پاسداران، دادستان دادسرای نظامی استان تهران، رئیس سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران و رئیس سازمان بازرسی کل کشور و به ریاست علی ربیعی عضو بیرون از این روز ۲۲ مردادماه گزارش تحقیقات را منتشر ساخت.

ماقایسه آنچه در گزارش کمیته تحقیق به عنوان "زمینه های وقوع حادثه" و مراحل مختلف شکل گیری و گسترش انتراضات در کوی دانشگاه و حمله نیروهای سرکوب به دانشجویان ذکر شده، با مطالبی که قبل از انتشار این گزارش به روز نامه های رسمی حکومت درز کرده، تاکیدی بر این نکته است که در این گزارش، بدنبال واقعیات رویدادها نایاب گشت. اساساً گزارش چنین هدفی هم ندارد. بلکه هدف تهیه کنندگان این است که با لپوشانی واقعیات، نکات مورد توافق، و سازش جناح ها و گرایشات مختلف را توجیه کنند. نکات برجسته گزارش از این قرارند: گزارش ضمن اشاره به مواردی که در دو سال گذشته در دانشگاه و خیابانهای اطراف آن، تجمع، اعتراض و راه پیمایی انجام شده، چنین ارزیابی میکند که تجمع دانشجوئی بعد از ظهر پنجمین ۱۷ تیر نیز که در اعتراض به حکم دادگاه ویژه روحانیت مبنی بر تعطیلی روزنامه سلام انجام شده می توانست یکی از همان انتراضات معمول دانشجوئی باشد. گزارش تاکید می کند کدلیلی بر سازماندهی قبلي این حرکت توسط تشكیل های دانشجوئی و "در ضمن گزارشی مبنی براینکه حضور مهمندان در کوی دانشگاه" با همانگی و سازماندهی قبلي در کوی بوده است، به این کمیته واصل نشده است. این مورد آخر، پاسخی است به دعاوی طرفداران "جناح راست" که بیگانند طرفداران خاتمی آن روز دانشجویان را تحریک کرده اند که علیه تعطیل روزنامه سلام تظاهرات کنند، دفتر تحکیم وحدت سازماندهی این حرکت بوده و به مسئولان خوابگاه گفته شده بود در آن شب بخصوص، از کسانی که به عنوان مهمان به

می کنند و دست به دعا بر می دارند که حکومت اسلام به برکت سازماندهی صدها هزار ارتضی و پاسدارو بسیجی، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، و دسته جات سرکوبگر و مسلح غیر رسمی و با اتكله به زرادخانه ای از اسلحه های رینگارنگ، این توان را دارد که مخالفان حکومت اسلامی و توہین کنندگان به ساحت رهبر را سرکوب کند. با سرکوب انتراضات دانشجوئی نیمه دوم تیرماه، اندک آرامشی در صوفوف حکومت پیدا می شود و اندک اندک زمزمه های ضرورت بررسی "واقعه کوی دانشگاه" بالا میگیرد.

"کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی" شکل میگیرد، اما این، آن کمیته ای نیست که در روزهای ۱۸ و ۱۹ تیر ماه پیاً ارام کردن دانشجویان، و عده داده می شد، "آمران و عاملان" حمله به کوی دانشگاه را معرفی و مجازات کند. حرکت دانش جوئی سرکوب شده بود. این کمیته قرار بود نقطه سازشی میان دعاوی ناسخ و منسخه جناح های رژیم بوجود بیاورد. از این رو، "آمران و عاملان" حمله به کوی دانشگاه، سرکوب کنندگان چنیش دانشجوئی و تظاهرات خیابانی، خود مأمور شدند که در مورد "واقعه کوی دانشگاه" تحقیق کنند.

کمیته تحقیق مشکل از دو معاون وزرات کشور، نماینده وزارت اطلاعات، نماینده وزیر آموزش و فرهنگ عالی، رئیس اداره اطلاعات سپاه پاسداران، دادستان دادسرای نظامی استان تهران، رئیس سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران و رئیس سازمان بازرسی کل کشور و به ریاست علی ربیعی عضو بیرون از این روز ۲۲ مردادماه گزارش تحقیقات را منتشر ساخت.

ماقایسه آنچه در گزارش کمیته تحقیق به عنوان "زمینه های وقوع حادثه" و مراحل مختلف شکل گیری و گسترش انتراضات در کوی دانشگاه و حمله نیروهای سرکوب به دانشجویان ذکر شده، با مطالبی که قبل از انتشار این گزارش به روز نامه های رسمی حکومت درز کرده، تاکیدی بر این نکته است که در این گزارش، بدنبال واقعیات رویدادها نایاب گشت. اساساً گزارش چنین هدفی هم ندارد. بلکه هدف تهیه کنندگان این است که با لپوشانی واقعیات، نکات مورد توافق، و سازش جناح ها و گرایشات مختلف را توجیه کنند. نکات برجسته گزارش از این قرارند: گزارش ضمن اشاره به مواردی که در دو سال گذشته در دانشگاه و خیابانهای اطراف آن، تجمع، اعتراض و راه پیمایی انجام شده، چنین ارزیابی میکند که تجمع دانشجوئی بعد از ظهر پنجمین ۱۷ تیر نیز که در اعتراض به حکم دادگاه ویژه روحانیت مبنی بر تعطیلی روزنامه سلام انجام شده می توانست یکی از همان انتراضات معمول دانشجوئی باشد. گزارش تاکید می کند کدلیلی بر سازماندهی قبلي این حرکت توسط تشكیل های دانشجوئی و "در ضمن گزارشی مبنی براینکه حضور مهمندان در کوی دانشگاه" با همانگی و سازماندهی قبلي در کوی بوده است، به این کمیته واصل نشده است. این مورد آخر، پاسخی است به دعاوی طرفداران "جناح راست" که بیگانند طرفداران خاتمی آن روز دانشجویان را تحریک کرده اند که علیه تعطیل روزنامه سلام تظاهرات کنند، دفتر تحکیم وحدت سازماندهی این حرکت بوده و به مسئولان خوابگاه گفته شده بود در آن شب بخصوص، از کسانی که به عنوان مهمان به

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۴۰)

پرولتاریای روسیه به سوی کسب قدرت سیاسی

اعتراض وسیعی را در میان کارگران برانگیخت. در اوخر اکتبر کارگران در حمایت از ملوانان و با خواستهای مشخص سیاسی در ۷۷ کارخانه دست به اعتضاب زدند.^(۱)

روی هم رفته در سال ۱۹۱۶ بیش از ۱۵۰۰ اعتضاب در روسیه صورت گرفت و بیش از یک میلیون و پانصد هزار کارگردارین اعتضابات شرکت کردند.^(۲)

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و شکل گیری قدرت دوگانه

برغم این که در روسیه بعلت بر جای ماندن بسیاری از بقایای مناسبات ماقبل سرمایه داری، انقلاب دمکراتیک در دستور کار قرار داشت، اما بورژوازی روسیه، نه تنها از ترس پرولتاریا و خصلت سازشکارانه اش علاقه ای به انقلاب نداشت، بلکه به یک طبقه ضد انقلابی تبدیل شده بود. لذا نیروی محركه این انقلاب را کارگران و دهقانان تشکیل میداند. بر طبق آمارهای موجود، در آستانه انقلاب فوریه، "مجموع مزدگران روسیه ۱۸/۵ میلیون نفر بودند که ۳۵۴۰۰۰ نفر آن را پرولتاریای صنعتی تشکیل می داد". این رقم در مقایسه با کل جمعیت روسیه که حدود ۱۶۰ میلیون نفر بود، کمیت محدودی است. معهدها طبقه کارگر برغم کمیت محدودش نسبت به کل جمعیت، یک نیروی اجتماعی و سیاسی بزرگ و مهم بود. مرکز عالی طبقه کارگر در مراکز حیاتی اقتصاد کشور و موسسات بزرگ، موقعیت ویژه ای به آن میدارد. در پتروگراد و حومه اش ۵۴۶۰۰ کارگر مشغول بکار بودند که ۳۹۲۸۰۰ نفر آنها کارگران کارخانه ها بودند. در صد کارگران در موسساتی با بیش از ۵۰۰ کارگر کار می کردند. در مجتمع پوتیلف ۲۴۴۴۹، در ترویخپنی ۱۹۰۴۶ نفر و در تروگلینگ ۱۵۲۳۸، در آبوخوف ۱۰۶۰۰ و در مجتمع اوختا ۱۰۲۰۰ نفر کار می کردند.^(۳)

"در مسکو بین ۴۱۰۰۰ تا ۴۲۰۰۰ کارگر وجود داشت که بیش از ۲۰۰۰۰ نفر آنها کارگران کارخانه ها بودند. در مسکو ۲۸ موسسه تولیدی کارگرانشان از ۱۰۰۰۰ متجاوز بود ."^(۴) این مرکز بسیار عالی که در تشکل و آگاهی طبقه کارگر و مبارزات آن نقش مهمی ایفا میکرد، طبقه کارگر را به یک نیروی مهم سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده بود. طبقه کارگر روسیه از همان هنگام انقلاب ۱۹۰۵ عملاً نشان داده بود که یگانه نیروی پیگیر انقلاب و رهبر بلا منازع آن است. با اعتلا نوینی که پس از سال ۱۹۱۵ پیدی آمد، این نیروی مهم اجتماعی و سیاسی یکبار دیگر ابتکار عمل را در مبارزه و رهبری جنبش برای سرنگونی دودمان رومانف ها در دست گرفت. در جریان این تحولات، نقش پیش آهنگ مبارزه انقلابی را پرولتاریای صنعتی، بیویذه پرولتاریای پتروگراد بر عهده داشت. بخش اعظم اعتضابات و تظاهرات را کارگران پتروگراد برپا کردند. سال ۱۹۱۷ با موج گسترده ای از اعتضابات و تظاهرات کارگران پتروگراد همراه بود. در سالروز یکشنبه خونین ۹ ژانویه، ۳۰۰ هزار کارگر پتروگراد دست از کارکشیدند. این بزرگترین اعتضاب سیاسی پس از آغاز جنگ بود. اعتضابات به مناطق دیگر نیز کشید. در فاصله دو ماه از ژانویه تا پایان فوریه اعتضابات کارگری به چنان وسعتی رسید که تعداد کارگران اعتضابی چهار برابر ماه های مشابه سال قبل بود. "در ژانویه ۲۵۰۰۰ کارگر در اعتضابات شرکت کردند و در فوریه تعداد آنها به ۴۰۰۰۰ رسید".^(۵)

مسکو، خارکوف، تولا، باکو و تعداد دیگری از شهرهای صنعتی بوقوع پیوست. "حدوداً ۸۵ در صد این اعتضابات سیاسی بودند. در فوریه کارگران روز بروز اعتلا می یافت. اعتراض در میان سربازان وسعت بیشتری میگرفت. در نیمه دوم فوریه، بحران سیاسی یخد کافی رشد کرده بود و لحظه قیام نزدیکترمی شد. نیروهای سرکوب برای مهار جنبش برشدت سرکوب افزودند و تعداد دیگری از فعالین جنبش کارگری را دستگیر نمودند. سرمایه داران به منظور اعمال فشار بیشتر به کارگران، کارخانه را تعطیل می کردند، اما این اقدامات، عزم طبقه کارگر را به مبارزه را سخ تر کرد. در پی تعطیل یکی از کارگاههای مجتمع پوتیلف، کارگران این مجتمع دست به اعتضاب و تظاهرات زدند و روز ۲۳ فوریه بسوی مرکز شهر به حرکت درآمدند. زنان زحمتشک خانه دار نیز که از گرانی، کمبود آذوقه و ایستادن در صفحه های طولانی به خشم آمده

اعتلاء مجدد جنبش کارگری روسیه

در حالی که انترناسیونال دوم فروپاشیده بود و تلاش چپ برای ایجاد یک انترناسیونال جدید که از اپورتونیسم و شوونینیسم تصفیه شده باشد هنوز به نتیجه قطعی نرسیده بود، بحران انقلابی در کشورهای سرمایه داری عمیق تر و شرایط انقلابی بیش از پیش آماده تر می شد. ادامه جنگ که مصائب عظیمی بیار اورده بود، کشتار میلیونها انسان، ویرانی های عظیم، کمبود مواد غذائی، فقر و گرسنگی، تشدید استثمار کارگران، سلب آزادی های سیاسی مردم به درجه تشدید کرده بودند. اعتراض به ادامه جنگ روز به روز افزون می شد و مبارزه طبقه کارگر مجدداً اعتلا می یافت. درین میان روسیه بیش از هر کشور دیگری آماده انقلاب بود. روسیه به کانون همه تضادهای نظام امپریالیستی تبدیل شده بود. در اینجا اینوها از تضادها به درجه انجام آغاز شد که تازه چند سال پیش به اتفاق روز اورده بود، ازروحیه و رزمندگی سطح بالائی برخوردار بود. حزب این طبقه، حزب بلشویک که رادیکال ترین جریان چپ مارکسیست در سطح جهانی بود، از یک تئوری و تاکتیک کامل‌اً منسجم و پرداخت شده پرولتاری برخوردار بود. این حزب با طرح شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی یعنی انقلاب و نیز شعار شکست دولت خودی در جنگ، روحیه انقلابی پرولتاری و انترناسیونالیستی را در میان کارگران روسیه توسعه داده بود و آنها را به انقلاب و قیام فرامیخواند. جنبش طبقه کارگر روسیه که با آغاز جنگ با یک افت موقت روپوشده بود، مجدداً از اواسط سال ۱۹۱۵ رو به اعتلا نهاد. در ماه های ژوئن و ژوئیه کارگران فلنگ کار در چندین کارخانه دست به اعتضاب زدند. کارگران در چند مورد دست به ظاهراهای زدند. پلیس تظاهراهای کارگران را در کاسترومبا به گلوله بست. بیش از ۵۰ کارگر کشته و زخمی شدند. ماهات با یک موج گسترده اعتضابات نساجی درایوانو_وازننسک آغاز شد. یک بار دیگر، پلیس کارگران را به گلوله بست که در جریان آن ۱۴۰ کارگر کشته و زخمی شدند. قتل عام کارگران نساجی موجی از خشم و اعتراض را در میان طبقه کارگر برانگیخت. کارگران به اعتضاب سیاسی روی آوردند. کارگران فلنگ کارگران به تاکتیک آغاز شد. یک بار دیگر، پلیس کارگران را به گلوله بست که در جریان پیشروان جنبش کارگری را به زدنان انداخت. اما این نیز نتوانست در مبارزه طبقه کارگرخالی ایجاد کند. رژیم تزاری که با اعتلا نوین جنبش کارگری روپرور شده بود، علاوه بر سرکوب و کشتار کارگران به تاکتیک دیگری نیز متولی گردید و به منظور فربیکارگران و ایجاد روحیه سازش در میان آنها، کمیته های صنایع جنگی را ایجاد کرد. بلشویکها ماهیت ضد کارگری این کمیته را که هدفی جز تشدید استثمار کارگران و ایجاد روحیه سازش در میان کارگران نداشت بر ملا کردد و از کارگران خواستند، این کمیته ها تشویق نمودند. سال ۱۹۱۵ با اعتضابات کارگران مجتمع پوتیلف و برخی کارخانه های دیگر پایان یافت.

مجموعاً در سال ۱۹۱۵ متجاوز از هزار اعتضاب در روسیه صورت گرفت و ۵۰۰۰۰ کارگر در این اعتضابات شرکت کردند.^(۶) سال ۱۹۱۶ با اعتضابات و ظاهراهای گسترده تری آغاز شد. در فوریه یک رشته اعتضابات اقتصادی در تعدادی از کارخانه ها صورت گرفت. این اعتضابات بزرگترین اعتضابات کارگری روسیه پس از آغاز جنگ بودند. در جریان این اعتضابات، کارگران مجتمع پوتیلف خواهان افزایش ۷۰ درصد به دستمزد خود شدن و تا حدودی موفق شدند. در ماه مارس ۷۰۰۰ کارگر دست به اعتضاب زدند.^(۷) در پائیز اعتراض به افزایش قیمت ها و کمبود خوارو بار همگانی ترشد و اعتراض به ادامه جنگ و استبداد تزاری دامنه وسیع تری بخود گرفت. اعتضابات بیش از پیش سیاسی شدند و در اوخر سال ۱۹۱۶ بخش اعظم اعتضابات سیاسی بودند. در همین حال نارضایتی در ارتش رو به گسترش بود. حزب بلشویک تبلیغات و فعالیتهای خود را در میان ملوانان و سربازان گسترش داده بود. دستگیری تعدادی از ملوانان کرنشتاد،

مالی را بر عهده واحدهای نظامی خود قرارداد. شورا همچنین تصمیم گرفت، بخش سربازان را نیز ایجاد کند. در اول ماه مارس اجلس مشترک بخش کارگران و سربازان شورای پتروگراد تشکیل شد. ۱۰ نماینده سربازان به عضویت کمیته اجرائی شورای پتروگراد در آمدند که دو بشویک نیز در میان آنها بود. اجلس مشترک تصمیم گرفت که کمیته هائی برای هدایت جنبش سربازان در همه جا تشکیل شود و تمام واحدهای ارتشی از نظر سیاسی از شورای نمایندگان کارگران و سربازان تعیت گشت.^(۸)

شورای نمایندگان کارگران و سربازان قدرت را "عمل"^۹ به دست گرفته بود. این واقع یک قدرت انقلابی کارگران و دهقانان بود که لیاس سربازی بر تن داشتند. دیکاتوری انقلابی - دمکراتیک کارگران و دهقانان که بشویکها از سالها پیش آنرا در انقلاب دمکراتیک روسیه پیش بینی کردند، متحقق شده بود. علاوه براین، قدرت شورائی چینی کاملاً متفاوت از نوع دولتی بود که در جمهوریهای دمکراتیک وجود داشت. این قدرت از نوع دولت کمون بود. لینین در تحلیل و جمع‌عبدنی این حکومت می‌نویسد: "ترکیب طبقاتی این حکومت دیگر، چگونه است؟ پرولتاریا و دهقانان (که به لیاس سربازان ملیس هستند) خصلت سیاسی این حکومت چیست؟ دیکاتوری انقلابی یعنی قدرتی که مستقیماً بر تصرف انقلابی و ابتکار بلا واسطه توده های مردم از پاپین - منکی است نه بر قانون صادره از طرف یک قدرت متمرکز دولتی. این قدرت حاکمه بکلی غیر از آن نوعیست که بطورکلی در جمهوریهای پارلمانی بورژوا و مراکز ایجادی که بطریق این قدرت که بطریق این قدرت این حکومت می‌باشد" . این قدرت از تا کنون تیپ عادی به شماره‌برف و درکشوارهای پیشرفت اروپا و آمریکا حکم فرماست - دیده می‌شود). . . این قدرت از همان نوع کمون ۱۸۷۱ پاریس است".^(۹) اما در حالیکه این قدرت شکل گرفته بود، بورژوازی نیز بیکار نشسته و در تکاپو بود تا قدرت را به دست گیرد به محض پیروزی کارگران، در همان بعداز ظهر روز ۲۷ فوریه، احزاب بورژوا در دوما یک کمیته موقت تشکیل دادند که وظیفه آن احیا نظم بود. این کمیته هیئتی را نزد تزار فرستاد که استعفا کند. او نیز استعفا را به فوریت پذیرفت و برادرش را بعنوان جانشین معرفی نمود. اما کارگران روسیه که تزاریسم را سرنگون کرده و عمل^{۱۰} قدرت را به دست گرفته بودند، مطلاً^{۱۱} به احیا نظام سلطنتی تن نمی دادند و تا اینجا قدرت واقعی در دست شورای نمایندگان کارگران و زحمتکشان بود و کمیته موقت دوماً قدرتی نداشت. لذا بورژوازی برآن شد که تا دیر نشده و برای آرام کردن کارگران و زحمتکشان، بدون تزار، خود قدرت را بدست بگیرد. کمیته موقت دومای دولتی تصمیم گرفت که مذاکراتی را با شورای پتروگراد آغاز نماید. این آجاتی که منشویکها و اس ارها در شورای پتروگراد اکثریت داشتند، برغم مخالفت بشویکها و برخی دیگر از جریانات کارگری، مذاکره با کمیته موقت دوماً تصویب شده بود. در جلسه کمیته اجرائی شورای پتروگراد در اول مارس بحث مفصلی پیرامون نحوه برخورد به کمیته موقت دومادرجریان بود. جناح راست کمیته اجرائی که عدتاً از اس ارها تشکیل می شد خواهان تشکیل نمایندگان شورا در حکومت بورژوازی بود. بشویکها خواهان حمایت از آن بود. بالاخره تصمیم گرفته شد که برخی مطالبات سیاسی را در برابر حکومت بورژوازی قرار دهند، شورا بر اجرای آنها ناظارت کند، از حق وتو برای کنارزدن وزرای نا مطلوب برخوردار باشد، اما در حکومت بورژوازی شرکت نکند. سران اس ار و منشویک بعنوان نمایندگان کمیته اجرائی شورای پتروگراد با کمیته موقت دوماً جلسه مشترکی تشکیل دادند و توافق کردند که کمیته موقت دوماً یک حکومت موقت تشکیل دهد. در پی این مذاکرات یک حکومت بورژوازی تحت ریاست پرنس لووف در ۲ مارس تشکیل شد و کرنسکی هم وزیردادگستری آن شد. بدین طریق قدرت دوگانه پدید آمد و شوراهای دادوطلبانه قدرت را به بورژوازی واگذار کردند. این وضعیت خودویژه البته نمی توانست مدتی طولانی دوام آورد و بالاخره میباشیست یکی بر دیگری پیروز شود.

برغم نقش بسیار مهمی که پتروگراد در انقلاب فوریه و سرنگونی تزاریسم داشت، اما این انقلاب به پتروگراد محدود نشد. در پی پتروگراد جنبش در مسکو اوج گرفت. در مسکو موقعیت بشویکها بهتر از پتروگراد بود. بشویکها در حمایت از قیام پتروگراد فراغوان اعتصاب عمومی سیاسی دادند. این اعتصاب که در ۲۷ فوریه آغاز شد، سریعاً به تظاهرات و قیام انجامید. روز ۲۸ فوریه در گیری میان کارگران با نیروهای نظامی دولتی آغاز شد. کارگران تعدادی از نیروهای پلیس را خلع سلاح کردند. گروهی از سربازان به کارگران پیوستند. روز اول ماه مارس، در گیری های مسلحه به اوج رسیده بود، گروههای

بودند، دست به تظاهرات زدند. به زودی تعداد زیادی از کارگران کارخانه های پتروگراد دست از کار کشیدند. روز ۲۴ فوریه ۲۰۰۰۰ کارگر پتروگراد در اعتصاب بسرمیبردند. بشویکها فراغوان تظاهرات در مرکز شهر را دادند. دهها هزار کارگر با شعار نان، مرگ بر جنگ، مرگ بر استبداد، زنده باد جمهوری دست به تظاهرات زدند. تظاهرات پیوسته وسعت می گرفت. در گیری میان نیروهای پلیس و ارتش با کارگران پیش آمد. گروههای از سربازان به مردم پیوستند. روز بعد، اعتصاب سیاسی همه گیرشد و حدود ۳۰۰۰۰ کارگر در اعتصاب بسر می بردند. تظاهرات تمام پتروگراد را فرا گرفته بود. نیروهای نظامی بسوی کارگران آتش گشودند و شب هنگام، تعدادی از فعالین جنبش کارگری را دستگیر کردند. روز ۲۶ فوریه در گیری شدیدی میان کارگران و نیروهای پلیس و ارتش در جرجیان بود. کارگران به مراکز پلیس یورش بر دند و مسلح شدند. سربازان دسته دسته به مردم پیوستند. ۲۷ فوریه قیام انجامیده بود. کارگران تعدادی از سلحنه های را به قیام انجامیده بود. سربازان بیشتری به قیام پیوستند. کارگران و سربازان در یک اقدام نظامی مشترک، مهمترین انبار مهمات دولتی را تصرف نمودند و دهها هزار اسلحه به دست مردم افتاد. زندانیان سیاسی آزاد شدند و تمام مراکز اصلی و کلیدی شهر به تصرف نیروهای انقلابی در آمد. سلطنت رومانوف ها سرنگون شد. در جرجیان تحولات سریع انقلابی، کمیته های اعتصاب به سرعت به شوراهای ارتقا یافتند. کارگران که شوراهای را در ۱۹۰۵ تجربه کرده بودند، و آن را در حافظه تاریخی خود نگه داشته بودند، اکنون تجربه خود را در سطحی گسترشده تر به کار می گفتند. از ۲۴ فوریه انتخابات شوراهای در برخی از کارخانه های پتروگراد آغاز شده بود. در ۲۷ فوریه رهبران منشویک و اس ار کوشیدند اینکار عمل را بدست بگیرند. آنها به نام کمیته اجرائی موقت شورای نمایندگان کارگران، بیانیه ای انتشار دادند و اعلام نمودند که اولین اجلس نمایندگان کارگران، سربازان و اهالی پتروگراد در ساعت ۷ بعداز ظهر در ساختمان دوماً تشكیل خواهد شد. به واحدهای ارتشی که به مردم پیوسته بودند دستورداده بیشش که به فوریت یک نماینده از هر گروهان انتخاب کنند. کارخانه هائی که بیش از هزار کارگر داشتند می باشند که نماینده در از هر هزار کارگر انتخاب نمایند و کارخانه هائی که کمتر از هزار کارگر داشتند، هر کدام یک نماینده انتخاب و به شورا بفرستند. تعیین این شیوه انتخاب نمایندگان از سوی رهبران اس ار و منشویک تصمیمی آگاهانه برای تقویت مواضع خودشان بود. بدین طریق، بشویکها که در کارخانه های بزرگ نفوذ داشتند، در یک اقلیت قرار گرفتند و بیشتر نمایندگان از کارخانه های کوچکتر و ارتش می آمدند که منشویکها و اس ارها نفوذ بیشتری در آنها داشتند. به رهبری انتخاب نمایندگان کارگران و سربازان در اجلس حضور یافتد و شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد تشکیل گردید. هنگامی که اجلس آغاز شد^{۱۲} ۴۰ تا ۴۵ نماینده با حق رای حضور داشتند که کارخانه های پتروگراد را نمایندگی میکردند. مجموعاً ۲۵ نماینده و میهمان در تالار حضور داشتند. چندیزه منشویک بعنوان رئیس و اسکوبلف منشویک و کرنسکی اس ار بعنوان معاونین انتخاب شدند. شورای نمایندگان کارگران و سربازان برغم سازشکاری سران منشویک و اس ار بعنوان یک قدرت و حکومت عمل میکرد. شورا برای مقابله با کمیود خوار و بار تصمیم گرفت که تمام اینبارهای مواد غذائی را مصادره کند ویک کمیسیون را برای سرو سامان دادن به امر خوارو بار تشکیل داد. شورا یک کمیسیون را برقراری نظمی تشکیل داد که به امر ارتش و پیشبرد فعالیت انقلابی در آن بپردازد. شورای پتروگراد با ایجاد میلیشیایی کارگری بمنظور حفظ نظم در شهرهای آنچه که در واقع وجود پیدا کرده بود، رسمیت داد، چرا که پلیس و ژاندارمری در هم کوبیده شده بودند، ارتش به مردم پیوسته بود و کارگران برقراری نظم عمومی را بر عهده گرفته بودند. شورا یک کمیته اجرائی نیز انتخاب نمود که دو عضو آن بشویک بودند. شورا تصمیم گرفت که نمایندگانی برای سازمان دهی کارگران و ایجاد امرکارگانهای حکومتی محلی به مناطق و نواحی دیگر اعزام نماید. همچنین تصمیم گرفت بولتن شورای نمایندگان (ایزوستیا) را بعنوان ارگان رسمی شورا انتشار دهد. شورا کمیسیون های دیگری از جمله تبلیغات، انتشارات و چاپ، اطلاعات، مالیه، پست و تلگراف و راه آهن تشکیل داد.

شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد روز ۲۸ فوریه به تصمیم گردی در مورد مسائل مالی پرداخت. طبق یک تصمیم، رژیم پیشین را از حق کنترل منابع مالی دولتی محروم ساخت. ابتکار عمل را در این عرصه نیز بر عهده گرفت. محافظت از بانک دولتی و دیگر مراکز

برنامه خاتمی، ادامه برنامه رفسنجانی، برنامه تشدید فقر و استثمار

داران، مدیران دولتی، افراد حکومتی یا نزدیکان و بستگان آنها قرار بگیرد و آنها نیز با حمایت دولت و در عین برخورداری ازامتیازات و امکانات دولتی، دسترنج کارگران و سودهای باد آورده را به جب بزنند و مردم را غارت و چاپول کنند. در برنامه آقای خاتمی نه فقط قرار است همین روند ادامه یابد، بلکه پیش بینی شده است موسسات بزرگ تر و انحصاراتی چون دخانیات و قند و شکر، چای، راه آهن و پست و مخابرات نیز به بخش خصوصی واگذارشود که نتیجه این واگذاریها نیز از هم اکنون روشن است و بدون هیچ تردیدی دروغله اول اخراج دهها هزار تن از کارگران و کارمندان این موسسات را در پی خواهدداشت و در مرحله بعد کارفرمایان و مالکان جدید این انحصارات تا جاییکه بتوانند ازامتیازات و حقوق کارگران باقی مانده خواهند زد و استثمار و حشیانه ترکارگران را سازمان خواهند داد. از اینها گذشته با واگذاری این انحصارات به بخش خصوصی، بسرعت به‌تولیدات و خدمات این موسسات، اعم از قند و شکر و چای و پست و تلفن و یا بلیط قطار و هزینه حمل و نقل افزایش خواهد یافت. بدیهی است که این افزایش قیمت در این محدوده باقی نماند و بر قیمت سایر کالاها و خدمات تاثیر می‌گذارد و در یک کلام به همه کالاها و خدمات و مایحتاج عمومی تعیین می‌یابد. معنای اینها، کاهش باز هم بیشتر قدرت خرید کارگران و زحمتکشان، تنزل فاحش سطح معیشت آنها و محرومیت توده‌های زحمتکش مردم است که طبقه حاکمه، دولت و برنامه نویسان آن، البته آن را "اهتمام به امر عدالت اجتماعی" معنی کرده‌اند.

رشد اقتصادی، اشغال و کنترل نرخ بیکاری

در لایحه برنامه آقای خاتمی، پیش بینی ها و برآوردهایی در مورد میزان جذب منابع مالی بین‌المللی، رشد سالانه درآمدهای مالیاتی دولت، میزان صادرات غیر نفتی، میزان رشد سرمایه کذاری بخش خصوصی و دولتی و امثال اینها نیز بست داده شده است که برای جلوگیری از اطاله کلام مجبوریم از خیر همه آنها بگردیم و در اینجا صرفما" و آنهم بطور خلاصه، به پیش بینی ها و دعاوی برنامه سوم در مورد میزان رشد سالانه اقتصادی، نرخ بیکاری و نرخ تورم پیراذیم.

شاه بیت برنامه آقای خاتمی ایجاد اشتغال و کنترل نرخ بیکاری است. در لایحه پیشنهادی دولت چنین برآورد شده است که متوسط رشد سالانه اقتصادی به ۶ درصد میرسد. هرساله حداقل ۷۶۵ هزار شغل جدید ایجاد می‌گردد. بیکاری کنترل و نرخ آن به ۱۰/۵ درصد میرسد. در این لایحه همچنین ادعای شده است که نرخ تورم سالانه به ۱۵/۹ درصد میرسد. قبل از هرچیز درمورد تامین یک رشد اقتصادی ۶ درصدی آنهم تحت شرایط یک رکود عمیق اقتصادی، باید گفت که این فقط یک ادعای تو خالی است. در شرایطی که اوضاع اقتصادی رژیم بسیار وخیم است و دولت با ورشکستگی مالی روبروست و میلیاردها دلار به بانک ها و

گرایی، نهادی کردن حاکمیت قانون و تامین حقوق و ازادیهای مشروع و قانونی، چیزهایی نیستند که تازه مطرح شده باشند. بیش از دو سال است که توده های مردم این شعارها را هر روزه می‌شنوند و نه فقط می‌شنوند، بلکه مایه ای عملی آن را نیز در زندگی روز مرد با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. بیلان کار آقای خاتمی و دوستانش در حکومت، در زمینه دفاع از قانون اساسی و نهادهای حکومت‌اسلامی و تامین آزادی آخوندها و شبه آخوندها که در چار چوب نظام و شرع با هم مباحثه داشته باشند و در همان حال متفقا" مردم و آزادیهای سیاسی را شرعا" و قانونا" سرکوب نمایند و حتی به محافل نزدیک به حکومت و دوستان دور اندیش خویش هم رحم نکنند، اینها چیزهایی است که در طی این دو سال اخیر نیز تضليل تصاویر بسیار روشی از آن دربرابر مردم قرارداده شده است. ایشان سپس از اشتغال به عنوان "چالش اساسی دولت" و یکی از محورهای اصلی برنامه در تهیه و تدوین شده است. خاتمی اضافه کرد که در تهیه و تدوین این برنامه، معیارهای اصلی او و همکارانش" قانون و در این آن قانون اساسی به عنوان چارچوب بی‌بدیل اداره کشور" بوده است. ایشان سپس از اشتغال به عنوان "چالش اساسی دولت" و یکی از محورهای اصلی برنامه خود یاد کرد وبالآخره با شاره به جهت گیریهای برنامه سوم، به مجلس اطیمان خاطر داد که در تهیه آن همه مسئولان کشور از "مقام معظم رهبری" گرفته تا مجمع تشخیص مصلحت نظام و دولت مشارکت فعال داشته و روی اصول آن "تواافق" داشته اند. علاوه بر این، دولت نیز در تهیه و تنظیم آن از نظر همه کارشناسان و صاحب‌نظران دانشگاهی و "حوزوی"! بهره برده است و به همین اعتبار این برنامه را "یک میثاق ملی" نامید و چنین اظهار امیدواری کرد که با بررسی نمایندگان به "سندی ماندگار" در تاریخ برنامه ریزی کشور تبدیل شود!

خصوصی سازی و "عدالت اجتماعی"

یکی از جهت گیریهای اصلی برنامه آقای خاتمی "تقویت بخش غیر دولتی" و "توسعه بخش خصوصی" است. در این لایحه، تحت عنوان تمرکز‌دائی، پیشنهاد شده است که شرکت‌ها و احصارات دولتی به بخش خصوصی واگذار و احصارات دولتی به بخش خصوصی واگذار شود و راه کارهای نیز برای "تسهیل" امر واگذاری، پیش بینی شده است. در این لایحه، حذف انحصاراتی چون دخانیات، قند و شکر، چای، راه آهن، پست و مخابرات نیز پیش بینی شده است. معهدها از همین چند جمله مختصر، حتی بدون وارد شدن به مسائل مشخص ترهم میتوان به ماهیت ارجاعی و استثماری این برنامه پی برد. هر کسی می‌داند که برنامه ای که معیارهای اصلی اش قانون اساسی جمهوری اسلامی است و بر مبنای نظرات و اندیشه های مرتجلی چون خوبی، خامنایی، رفسنجانی و سایر کارشناسان حوزوی تهیه و تدوین شده و در چارچوب سیاست های نظام حکومت اسلامی است، نمیتواند چیزی بگریز جز یک برنامه ارجاعی و ضد مردمی باشد. جز یک برنامه ارجاعی و لوله اختصار هم که شده بینینه های دولتی، پایان دادن به رکود اقتصادی و ایجاد رونق بوده است. اما تجربه بجا مانده نیست. هم اکنون جمهوری اسلامی چندین سال است که به این کار مشغول است و خاتمی نیز در واقع ادامه دهنده مسیری است که قبل از رفسنجانی آنرا فرش کرده است. با این‌هم باید اذعان حوزوی که آقای خاتمی در تشدید و تعیین این روند، همت به خرج داده است.

ظاهرانه" هدف این خصوصی سازی ها، کاهش هزینه های دولتی، پایان دادن به رکود اقتصادی و ایجاد رونق بوده است. اما تجربه بجا مانده از این خصوصی های سازیها حاکی از آن است که نه هزینه های دولتی آنچنان کاهش یافته است و نه رونقی در کار تولید و اقتصاد حاصل شده است. در عرض اما کارفرمایان و صاحبان جدید این بنگاهها و موسسات، با اخراج ها و بیکار سازی های وسیع کارگران و کارمندان اینگونه موسسات و شرکت ها بروانه رکود و بیکاری افزوده اند. هم از این طریق، و هم با تشدید فشار بر کارگران و زدن امتیازات آنها، بیش از پیش حق و حقوق کارگران را پایمال کرده و برآورده است. در این راست، ایشان "نهادی کردن حاکمیت قانون" و "اشغال" را که بعنوان "چالش اساسی دولت" از آن یاد میکند، محور برنامه خویش قرارداده است. وارد شدن به مباحث سیاسی مطروحه در برنامه آقای خاتمی، اگر کار زائی نیاشد، تصدیق کنید که حتما" تکرار مکرات است. قانون



جمهوری اسلامی

حکم اعدام ۴ دانشجو را تأیید کرد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

مردم مبارز ایران!

رژیم جمهوری اسلامی به کشتار و سرکوب ادامه می‌دهد و اکنون اعدام چهارتین از دانشجویان را در دستور کار قرارداده است.

رئیس ادگاه‌های ضد انقلاب اسلامی تهران، در مصاحبه ای که امروز در روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافت، تائید کرد که حکم اعدام ۴ تن از دانشجویان صادر شده است. وی در این مصاحبه گفت که تا روز سه شنبه ۲۳ تیرماه ۱۵۰۰ نفر دستگیر شدند که برای هزار نفر «بعنوان عوامل اغتشاش پرونده تشکیل و تحويل دادگاه انقلاب اسلامی شد». وی اشاره ای به تعداد دستگیرشده‌گان پس از ۲۳ تیر نکرد. او در ادامه مصاحبه گفت که تا کنون برای عده‌ای حکم جلس و جریمه صادر شده است و ۴ نفر به اعدام محکوم شده که حکم دو نفر آنها در دیوان عالی کشور تائید شده است. نامبرده افزو که هنوز پرونده‌هایی با جرائم سنگین وجود دارد که تحت بررسی است.

مردم مبارزه ایران!

جان ۴ تن از دانشجویان در خطر اعدام قرارداده. نباید اجازه داد که رژیم جمهوری اسلامی به این اقدام جنایتکارانه خود جامه عمل پوشد و این دانشجویان را به جوخه اعدام بسپارد. دانشجویان جرم دیگری جز دفاع از آزادی ندارند. با هرسوله ممکن صدای اعتراض خود را به این احکام ارتقای بلند کنید و مانع از اعدام دانشجویان شوید.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقایی)**

۱۳۷۸/۶/۲۱

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

برنامه خاتمه، ادامه برنامه رفسنجانی، برنامه تشدید فقر و استثمار

آنکه طبق همان منبع آماری، در همین مدت، سالانه فقط ۲۴۰ هزار شغل ایجاد شده است و این یعنی آنکه هرساله قریب به نیم میلیون نفر نیروی جوان بر صفحه میلیونی بیکاران اضافه شده است. به گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه رژیم، عملکرد برنامه دوم در بخش اشتغال، بیانگر ایجاد یک میلیون و ۲۵۰ هزار شغل جدید است. این یعنی چه؟ این یعنی آنکه سالانه حداقل ۲۷۰ هزار شغل ایجاد شده و مابقی ۸۳۰ هزار نیروی جوان جویای کار، یعنی یک جمعیت ۵۶۰ هزار نفره، هرساله برتوهه متراکم بیکاران افزوده شده است.

از همین روزت که نرخ رشد بیکاری نیز دائمًا افزایش یافته وهم اکنون هم بسیار بالاست. این نرخ در برخی مناطق و استانها مثل استان ایلام حتی به ۵۰ درصد رسیده است. در استان کرمانشاه ۲۷ درصد و در لرستان به حدود ۲۵ درصد رسیده است و در کل کشور نیز بسیار بالاتر از آن چیزی است که رژیم می‌گوید. آقای خاتمی و برنامه نویسان نویسان رژیم همچنین پیش بینی کرده اند متوسط نرخ تورم سالانه ۱۵/۹ درصد است. باید گفت که این هم یک ادعای غیر واقعی دیگری است که ریاضی یا هیچکجا از داده های اقتصادی و وضعیت موجود همخوانی ندارد. امروز هرگز می‌تواند قیمت کالاهای و خدمات و نیازارزش ریال را فرض کند و به میزان افزایش سراسام آور کاهش یافته است. صدور سایر کالاهای غیر قیمتها و نرخ فزاینده تورم در این سالها پی ببرد. توجه زحمتکش مردم که فشارهای طاقت فرسای اقتصادی و دائم التزايد را با تمام وجود خود لمس می‌کنند، با مشاهده این روندها، به ماهیت دروغ ها و وعده های دولت که دائمًا "تکرار می شوند، پی بردند. البته خود دست اندرکاران حکومتی هم میدانند که دروغ میگویند و می‌دانند که بین عالم واقعی و دنیای ارقام آنها فاصله بسیاری وجود دارد. رئیس سازمان برنامه و بودجه رژیم می‌گوید "بررسی های انجام شده نشان می‌دهد که نرخ تورم در طول برنامه دوم حدود ۲۶/۵ درصد بوده است که برای برنامه سوم محدود شده است" معهذا همین آقای رئیس برنامه و بودجه نیز عدم تحقق چنین بیان شده براورددهای را البته من غیر مستقیم چنین بیان می‌کند که برنامه سوم یک برنامه صرفًا پنج ساله نیست، بلکه یک نگاه بلند مدت تر به پیست سال آینده دارد! و اعداد و ارقام پیش بینی شده نیز برمبنای این اهداف بلند مدت قابل دسترسی اند! در دستگاه حکومت اسلامی، البته رقم سازی از هر کاری سهل تر و آسانتر است. وقتیکه میتوان با یک نوک قلم، تورم چهل، پنچاه درصدی در چند سال گذشته را به چیزی حدود نصف تقیل داد، وقتیکه می‌توان کسری بودجه را در یک چشم بهم زدن به صفر رساند آنطور که خاتمی و سلف شعبده بازش کردن، چرا نتوان نرخ تورم را "محدود" کرد، نرخ بیکاری را به میزان دلخواه کاهش داد و برروی کاغذ رشد اقتصادی ایجاد کرد!

در هر حال باید تصریح کرد که برنامه آقای خاتمی هم اشتغال و کنترل نرخ بیکاری نیز اوضاع از همین قرار است. هم اکنون میلیونها نفر در سراسر ایران بیکارند و سوای صدھا هزار کارگری که در طی دو سال اخیر و در اثر اخراج ها و بیکارسازیهای وسیع از کار بیکار شده و به صفت بیکاران پیوسته اند، هرساله صدھا هزار نیروی جوان و جویای کارکه فقط بخشی از آنها جذب بازارکار میشوند، برجمعیت اینها بیکاران اضافه می شود و رقم بیکاران و جویندگان کار دائمًا افزایش می‌یابد. برطبق آمارهای اعلام شده، طی سالهای ۶۵ تا ۷۵، پیش از ۸ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بر جمعیت فعل کشور افزوده شده است. یعنی هرساله بطور متوسط ۸۳۰ هزار نفر بر جویندگان کار اضافه شده است. حال

برنامه خاتمه، ادامه برنامه رفسنجانی، برنامه تشدید فقر و استثمار

آنکه طبق همان منبع آماری، در همین مدت، سالانه فقط ۲۴۰ هزار شغل ایجاد شده است و این یعنی آنکه هرساله قریب به نیم میلیون نفر نیروی جوان بر صفحه میلیونی بیکاران اضافه شده است. به گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه رژیم، عملکرد برنامه دوم در بخش اشتغال، بیانگر ایجاد یک میلیون و ۲۵۰ هزار شغل جدید است. این یعنی چه؟ این یعنی آنکه سالانه حداقل ۲۷۰ هزار شغل ایجاد شده و مابقی ۸۳۰ هزار نیروی جوان جویای کار، یعنی یک جمعیت ۵۶۰ هزار نفره، هرساله برتوهه متراکم بیکاران افزوده شده است.

از همین روزت که نرخ رشد بیکاری نیز دائمًا افزایش یافته وهم اکنون هم بسیار بالاست. این نرخ در برخی مناطق و استانها مثل استان ایلام حتی به ۵۰ درصد رسیده است. در استان کرمانشاه ۲۷ درصد و در لرستان به حدود ۲۵ درصد رسیده است و در کل کشور نیز بسیار بالاتر از آن چیزی است که ریاضی یا هیچکجا از داده های اقتصادی و وضعیت موجود همخوانی ندارد. امروز هرگز می‌تواند قیمت کالاهای و خدمات و نیازارزش ریال را فرض کند و به میزان افزایش سراسام آور کاهش یافته است. صدور سایر کالاهای غیر قیمتها و نرخ فزاینده تورم در این سالها پی ببرد. توجه زحمتکش مردم که فشارهای طاقت فرسای اقتصادی و دائم التزايد را با تمام وجود خود لمس می‌کنند، با مشاهده این روندها، به ماهیت دروغ ها و وعده های دولت که دائمًا "تکرار می شوند، پیش بود که نور بخش رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۷۷ به ۴۵ درصد رسید. هر چند که همین ادعای همچنان بر بخش های تولیدی شده است. رکود همچنان از اینکه در این روندها حاکم است و هیچ نشانی از اینکه در این روندها تغییری اساسی ایجاد شود دیده نمی شود. همین دو سه ماه پیش بود که نور بخش رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۷۷ به ۴۶ درصد رسید. هر چند که همین ادعای هم هنوز با حقیقت فاصله دارد، اما در هر حال بیانگر روند نزولی و پائین بودن نرخ رشد اقتصادی است. این روند در سال جاری نیز ادامه داشته و نرخ رشد اقتصادی به صفر یا چیزی حدود صفر رسیده و حتی رسیده متفاوت است. بنابراین با توجه به این اوضاع و روندها، بسیار بسیار بعد است که آقای خاتمی بتواند به ادعای خویش در زمینه رشد اقتصادی جامه عمل بپوشاند.

در زمینه اشتغال و کنترل نرخ بیکاری نیز اوضاع از همین قرار است. هم اکنون میلیونها نفر در سراسر ایران بیکارند و سوای صدھا هزار کارگری که در طی دو سال اخیر و در اثر اخراج ها و بیکارسازیهای وسیع از کار بیکار شده و به صفت بیکاران پیوسته اند، هرساله صدھا هزار نیروی جوان و جویای کارکه فقط بخشی از آنها جذب بازارکار میشوند، برجمعیت اینها بیکاران اضافه می شود و رقم بیکاران و جویندگان کار دائمًا افزایش می‌یابد. برطبق آمارهای اعلام شده، طی سالهای ۶۵ تا ۷۵، پیش از ۸ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بر جمعیت فعل کشور افزوده شده است. یعنی هرساله بطور متوسط ۸۳۰ هزار نفر بر جویندگان کار اضافه شده است. حال

خبری از ایران

روزنامه کار کارگر از قول یک مقام مسئول سازمان آتش نشانی فاش ساخت که تعداد حوادث چاه، طی سال های اخیر رو به افزایش گذاشته است، بطوریکه از ۷۲ مورد در سال ۷۶ به بیش از ۹۰ مورد در سال ۷۷ رسیده است که این آمار البته تنها مربوط به حوادثی است که به سازمان مربوطه گزارش شده است.

علاوه بر آنکه هر روز ده ها و صدها کارگر در سراسر کشور به علت عدم برخورداری از وسائل ایمنی کار، دچار حادثه شده و جان خود را از دست می دهند، صدها کارگر دیگر نیز به همین علت و در اثر حادث ناشی از کار، دچار آسیب های شدید جسمی شده، مصدوم و مجرح می شوند.

* - یک کارگر شرکت مشهد نخ، هنگامی که مشغول نظافت دستگاه تصفیه پنبه پاک کنی بود، دستش توسط دستگاه بعلیه شد که این حادثه منجر به قطع دو انگشت وی گردید.

* - یک کارگرسیم با شرکت برق ایلام، هنگام کار بعلت عدم برخورداری از وسائل ایمنی، دچار برق گرفتگی و سوختگی شد که در اثر این حادثه به شدت از ناحیه چشم آسیب دید. وضعیت اینی کاردر این شرکت بقدرتی و خیم است که کارگران حتی از داشتن دستکش های ایمنی نیز محروم اند. یک کارگر این شرکت می گوید " وقتی که مشغول بکار می شویم، هر لحظه درانتظاریک حادثه هولناک هستیم"!

کمترازیک درصد زنان مقاضی کار در اسلام شهر مشغول به کار شده اند

رئیس اداره کار اسلام شهر اعلام کرد که تعداد بیکاران در این شهرستان دائماً درحال افزایش است، و امکاناتی نیز برای اشتغال بیکاران وجود ندارد. او به عنوان نمونه اشاره کرد که در حال حاضر تعداد مقاضیان زن برای کار در اسلام شهر بیش از ۲۰۰۰ نفر میباشد و ما تنها در سال جاری موفق به جذب تعداد ۲۰ نفر از آنان برای کار شدیم.

نرخ بیکاری ۲۸ درصد در پایان برنامه سوم

محمد باقر نوبخت حقیقی عضو هیئت رئیسه مجلس اخیراً دریک مصاحبه اعلام کرد که نرخ بیکاری اکنون به حدود ۱۵ درصد رسیده که در مقایسه با سه سال گذشته ۶ درصد افزایش یافته است. وی اضافه کرد که با رشد اقتصادی حدائق ۴ درصد را پایان برنامه سوم حدائق ۲۸ درصد و تا سال ۱۳۸۵ بیش از ۲۱/۷ درصد نرخ بیکاری خواهیم داشت. لازم بذکر است که نرخ رشد اقتصادی در ایران برطبق آمار رسمی هم اکنون رقمی حدود ۱/۷ درصدی باشد.

جمع مرتعین و کارفرمایان در کنگره حزب اسلامی کار

در نخستین کنگره حزب اسلامی کار که در ۲۲ و ۲۳ مرداد برگزار شد، موسوی لاری وزیرکشور

در صفحه ۱۳

اعتراض کارگران ریسندگی آذر

کارگران ریسندگی و بافندهای آذر اصفهان، در اعتراض به عقب افتادن ۴ ماه حقوق و مزایای خود، از رفتن به سرکار، خوداری کردند. صبح روز سه شنبه ۵ مرداد، حدود ۴۰۰ تن از کارگران این کارخانه، با بپایی یک تجمع اعتراضی در برابر اداره کار، خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده خود شدند. کارگران هشدار دادند چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود در سطح گسترده تری دست به اعتراض خواهند زد.

اعتراض کارگران لوله سازی

کارگران شرکت لوله سازی اهواز با ارسال یک پیامبری انتقاد مشکلات خود شدند. کارگران این شرکت که مدتهاست حقوق های خویش را با تأخیر زیاد دریافت می کنند، نسبت به این موضوع شدیداً اعتراض دارند و خواهان پرداخت به موقع حقوق و مزایای خویش اند. کارگران در یادداشت خود از جمله نوشته اند" ما کارگران شرکت لوله سازی اهواز مدتی است حقوق خود را با تأخیر فراوان دریافت نمیکنیم بصورتی که هم اکنون (مرداد ماه) در حال دریافت حقوق اردیبهشت ماه، آن هم به صورت علی الحساب می باشیم"!

نامه اعتراضی

۷۰۰ نفر از پرسنل آسایشگاه کهریزک، با ارسال نامهای به مطبوعات، نسبت به عدم پرداخت حق بیمه پرسنل توسط کارفرما، اعتراض کردند. آنان در نامه خود اشاره کردند که در حالیکه پرسنل کارخانه قادر است روزانه با تولید سه هزار جفت چکمه، دمپایی و کفش، به فعالیت ادامه دهد اما کارفرما و پیمانکار این واحد، تولید را به حدائق رسانده اند و روزانه تنها تعدادی کفش برای آموزش پرورش تولید میکند. این کارخانه وابسته به شهرداری تهران است و ۵۸ کارگر دارد.

کارخانه کفش زری وار کردستان در آستانه تعطیلی

کارخانه کفش زری وار کردستان در آستانه رکود و تعطیلی کامل قرار دارد و کارگران آن بلا تکلیف هستند. به گفته یکی از کارگران، این کارخانه قادر است روزانه با تولید سه هزار جفت چکمه، دمپایی و کفش، به فعالیت ادامه دهد اما کارفرما و پیمانکار این واحد، تولید را به حدائق رسانده اند و روزانه تنها تعدادی کفش برای آموزش پرورش تولید میکند. این کارخانه وابسته به شهرداری تهران است و ۵۸ کارگر دارد.

حوادث ناشی از کار

در محله پونک تهران، کارگر جوانی هنگامیکه مشغول حفر چاه بود، براثر ریزش دیواره های چاه، به ته چاه سقوط کرد و زیرخوارهای خاک مدهفون شد. این کارگر که سرورنام داشت، ۲۱ ساله و تبعه افغانستان بود. چند روز بعد از این حادثه در بیست و هفتم مرداد ماه نیز یک کارگر خشکشوئی که به قصد عیق کردن چاه مغاره به درون آن رفته بود، دچار کاژ گرفتگی شد و با سقوط به ته چاه، جان خود را از دست داد. این کارگر نیز که فقط ۲۱ سال داشت داود حسینی نام داشت و اهل افغانستان بود. عصر همین روز حادثه مشابهی در جاده شهریار خادم آباد روی داد و کارگری بنام محمد اسماعیل تاجیک، که در عمق ۸۰ متری چاه، مشغول تعویض پمپ آب بود، دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. همچنین کارگر ۲۴ ساله ای بنام حمال پرورندی هنگامیکه مشغول حفر پی ساختمان نیمه سازی در حوالی خیابان فلسطین تهران بود، براثر ریزش ناگهانی دیوار زیر خوارهای خاک ماند و جان خود را از دست داد.

هزاران کارگر نساجی در آستانه اخراج قراردادند

مدیر کل صنایع بنیاد مستضعفان اخیراً اعلام کرد که ورشکستگی و بحران واحدهای نساجی وابسته به این بنیاد را تهدید می کند. او گفت انجام عملیات بازسازی واحدهای قدیمی که با مشکلاتی نظری بدھی هی معوقه، استهلاک بالا، نیروی مازاد مواجه هستند قادر توجیه اقتصادی است و باید مرگ صنعتی آنها را باور کرد. وی ادامه داد که بسیاری از این واحدهای تا اکنون تنها با توجه به این که باید نیروی کار حفظ شود، متحمل زیان های سنگین شده اند. این بدان معناست که بنیاد مستضعفان قصد دارد تمام کارخانه های نساجی این بنیاد را تعطیل و کارگران را خراج کند.

۴۰۰ کارگر کارخانه پشم کشمیر کرمانشاه در معرض بیکاری

۴۰۰ کارگر کارخانه پشم باقی کرمانشاه در آستانه بیکاری قرار دارند. مسئولین کارخانه

پایان قطعی پلاکفوم خاتمی، آغازی بردور جدید تهاجم طرفداران خامنه‌ای

شخص رئیس جمهور نیز چنین اهانتی را محکوم و در خور مجازات داشته بودند، همچنان ادامه داشت که سرانجام خامنه‌ای برای جلوگیری از تشنج بیشتر اوضاع فرمان آتش بس را از نماز جمعه نهم مهر ماه صادر نمود. او از رئیس جمهورش بعنوان یک روحانی متدين که "عاشق اهل بیت" و اسلام است دفاع کرد و طرفداران خود را بی آنکه احساسات آنها را جریحه دار کرده باشد، به آرامش دعوت نمود و به آنان اطمینان داد که خودش مراقب اوضاع هست! با اینهمه چنین بنظر مiresد که این کشمکش‌ها و تهاجمات، همچنان ادامه یابد و مهاجمین به کمتر از برکناری مهاجرانی رضایت ندهند. این رشتہ تهاجمات جدید، اگر چه عکس العمل هائی را نیز از سوی خاتمی و طرفداران وی در پی داشته است، اما این واکنش‌ها اساساً از حالت دفاعی فراتر نرفته است.

روشن است که هرچقدر موعد انتخابات مجلس نزدیک تر می‌شود، برداخته این جنگ و جدال‌ها و کشمکش‌ها نیز افزوده می‌شود. اینکه اما در این کشمکش‌ها جناح خاتمی تا کی و تا کجا عقب خواهد نشست و در انتخابات مجلس چه کسی پیروز خواهد شد، این را آینده نشان خواهد داد. مهم اما اینست که توده‌های زحمتش مردم تجربه دیگری را نیز پشت سرنهادند و فریب هیچکی از این جناحها و انتخابات آنها را نخواهند خورد. باحوال‌اخیر، آنان در تعیین تکلیف قطعی با کلیت رژیم راست تر شده‌اند و مستقل از این جناحها به پیروزی خود می‌اندیشند.



تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۴۰)

شورای پتروگراد کمیسیونهایی به منظور سازماندهی به امر خوار و بار، امور اقتصادی، انتظامات شهر، دفاع نظامی و غیره تشکیل داد که تحت ریاست کمیته اجرایی وظایف خود را انجام می‌دادند. پیروزی انقلاب در مسکو، نقش مهمی در توسعه و گسترش انقلاب به مناطق دیگر ایفا نمود. پس از مسکو انقلاب به اورال، ولکا، بالتیک، سیبری، ماوراء قفقاز و مناطق و شهرهای دیگر کشید، قدرت در دست نیروهای انقلاب قرارگرفت و شوراهای نمایندگان تشکیل شدند. تا اواخر مارس انقلاب تا دورترین روستاهای روسیه نیز پسط یافته بود. در جبهه‌ها سربازان شورش کرده و فرماندهان منتخب خود را در راس امور قرار داده بودند. کمیته‌های سربازان در پادگانها و در جبهه‌ها شکل گرفته بودند. شوراهایا به سراسر روسیه بسط یافته بودند.

(ادامه دارد)

زیرنویس‌ها:

- ۱_ تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی
- ۲_ پتروگراد سرخ_ انقلاب در کارخانه‌ها_ آ_ اسمیت
- ۳_ جنبش بین المللی طبقه کارگر_ جلد چهارم
- ۴_ جنبش بین المللی طبقه کارگر_ جلد سوم
- ۵_ در باره قدرت دوگانه_ لینین

جمعه تهران قشرق برای انداخت و گریست و خواستار بدخور دقاطع با مسئولینی شد که چنان فضای ایجاد کرده‌اند که به امام زمان هم توهین می‌شود. بازادر اغراض به اهانت به مقدسات تعطیل کرد. طلب قم‌سیاه پوشیدند و در تظاهرات خود نه فقط خواستار اشد مجازات دانشجویان شدند، بلکه خواهان استعفای مهاجرانی شدند و علیه او شعار مرگت باد و ننگت باد سردادند. تیمسار تقی فرمانده واحد حفاظات اطلاعات نیروی انتظامی مجدها" گریبان درید و سوگند خورد که اگر دستگاه‌های مربوطه تکلیف دانشجویان را یکسره نکنند، او منتظر هیچکس نمی‌ماند و شخصاً حکم خدا را اجرا خواهد کرد و هر کسی را هم که بخواهد مانع شود، با او نیز چنین خواهد کرد. روزنامه‌های رسالت و کیهان نیز حملات تند و وسیعی را علیه دولت آغاز کردند. جامعه روحانیت مبارز نیز در بیانیه رسمی و شدید الحنفی به رئیس جمهور و دولت حمله کرد و چنین هشدار داد که کار را بجای نرسانند که "مومین" بگویند مرا به خیر دولت امیدی نیست، شر مرسان! فرماندهان سپاه مجدها" از ضرورت درهم پیچیدن طومار مطبوعات و "قلم بستان" مزدوری که در اثر "تسامح و تساهل" مسئولین به ارزش‌های اسلامی اهانت می‌کنند صحبت کردند و سرانجام آقای خزلی از اعضاء سابق شورای نگهبان، ضمن آنکه علناً خواستار برکناری مهاجرانی شد، خاتمی را نیز به عبرت آموزی از سرنوشت بینی صدر هشدار داد. خلاصه آنکه طرفداران خامنه‌ای ازموچی که در داشتگاه امیر کبیر پدید آمده بود آنچنان طوفانی برقا کردند که اوضاع را بکلی متینج می‌ساخت. این موج تهاجم وسیع و گسترده‌ای شانه جناح خامنه‌ای فروآمد و بهانه کافی برای موج جدیدی از حملات فراهم گشت. طرفداران خامنه‌ای بلافضله تبلیغات وسیع و گستره‌ای را علیه وزیر ارشاد و دولت خاتمی سازمان دادند. "امام زمان" که گویا در این نمایشنامه، به "ساحت مقدس" وی اهانت شده بود، ابرازی شد تا جناح خامنه‌ای، تهاجم حساب شده خود را تا شخص خاتمی نیز دنبال کند. محافظ وابسته به این جناح خواستار اعدام فوری دو دانشجوی نویسنده این نمایشنامه شدند. جنتی در نماز

"موج"ی که از پیش طوفان برخاست

با انتشار نشریه دانشجویی "موج" در دانشگاه امیر کبیر که در آن نمایشنامه ای بنام "کنکور وقت ظهور" بچاپ رسیده بود، کبوترشانس بزرگ شانه جناح خامنه‌ای فروآمد و بهانه کافی برای موج جدیدی از حملات فراهم گشت. طرفداران خامنه‌ای ایجادی تبلیغات وسیع و گستره‌ای را علیه وزیر ارشاد و دولت خاتمی سازمان دادند. "امام زمان" که گویا در این نمایشنامه، به "ساحت مقدس" وی اهانت شده بود، ابرازی شد تا جناح خامنه‌ای، تهاجم حساب شده خود را تا شخص خاتمی نیز دنبال کند. محافظ وابسته به این جناح خواستار اعدام فوری دو دانشجوی نویسنده این نمایشنامه شدند. جنتی در نماز

زیادی از سربازان به انقلاب پیوسته بودند. شب اول مارس، پادگان مسکوبه مردم پیوست. نیروهای سرکوب ارتقای دیگر قادر به مقاومت نبودند. کارگران و سربازان سیاسی را آزاد کردند و تعدادی از مقامات حکومتی را دستگیر نمودند. قیام مسکو پیروز شده بود.

کارگران مسکو از همان نخستین روز آغاز قیام، انتخابات برای تشکیل شوراهای را آغاز نمودند. بزودی در همه کارخانه‌ها، کارگران نمایندگان خود را انتخاب نمودند. روز اول مارس در حالیکه هنوز درگیری‌های مسلح ادامه داشت، اجلس سازماندهی شورای نمایندگان کارگران در ساختمان دومای شهری تشکیل شد. نمایندگان ۵۲ موسسه تولیدی، اتحادیه‌ها و دیگر سازمان‌ها در این اجلس قرار داشتند. یک کمیته اجرایی ۳۰ نفره انتخاب شد که در راس آن یک منشویک حضور داشتند. یک کمیته ۴۴ نفره نیز توسط شورای نمایندگان برگزیده شد که مکمک به تحکیم قدرت انقلابی بود.

۱۶ بخشیک، ۹ نمایندگان، ۷ اسار، ۳ عضو بوند و ۹ نمایندگان اتحادیه‌ها، صندوقهای بیمه و انجمن‌های تعاونی، عضو این کمیته بودند. (۱۰) در مسکو نیز بورژوازی تشکیلات خود را به نام "کمیته سازمانهای همگانی" ایجاد نمود. اما در برابر قدرت شورای مسکو، قدرت چندانی نداشت. شورای مسکو که زمام امور را به دست گرفته بود، همانند

روز ۲۴ اوت نیز بیش از هزار کارگر دست از کار کشیده و با برپائی راه پیمایی و تظاهرات در شهر سیدنی به لایحه پیشنهادی دولت اعتراض نمودند. و سرانجام روز ۲۶ اوت هزاران نفر کارگر شهرهای Canberra و Darwin دست بداعتاصاب و راهپیمایی زدند. اعتصاصات کارگران در روز ۲۶ اوت پایان دور اول موج مقاومت و اعتراض در مقابل با تجاوز آشکار سرمایه داران و دولت حامی آنها به حقوق مسلم دست این اعتصاب معدنچیان سراسر این کشور نیز دست به یک اعتصاب عمومی یکروزه زدند. علت این اعتراض عدم پرداخت مستمزدهای معوقه هزاران معدنچی در معدن Akdale بود. این معدن در اوائل ماه ژوئن سال جاری از سوی دولت تعطیل شد. اما مستمزد کارگران که مبلغی بالغ برع میلیون دلار استرالیا بود، تا اواسط ماه اوت نیز به آنان پرداخت نشده بود. این اعتصاب ۲۴ ساعته، مقامات دولت را به یاد بدهی خود به کارگران انداخته و کار پرداخت مستمزدهای معوقه معدن چیان به سرعت آغاز شد.

تعطیل بنادر در شیلی

۶ بندر شیلی در اواسط ماه اوت صحنه اعتصاب و اعتراض صدھا نفر از کارگران بارانداز این کشور بود. دلیل این اعتصاب اعلام تصمیم دولت مبنی بر واگذاری عملیات تخلیه و بارگیری کشتی های تجاری در این بنادر به شرکت های خصوصی بود. به گفته کارگران، برغم وعد های مکرر دولت در راستای تضمین شغلی برای همه کارگران، خصوصی سازی بنادر این کشور معنای دیگری جزا خراج هزاران کارگر کاهاش سطح مستمزدها برای کارگران شاغل نداشته و به این ترتیب تا تضمین کامل دولت در مقابل این اخراج سازیها، به مبارزه خود علیه خصوصی سازی بنادر ادامه خواهد داد.

تظاهرات دانشجویان در اندونزی

روزهای ۲۲ و ۲۴ سپتامبر، بیش از ۱۰ هزار نفر از دانشجویان اندونزی کلاس های درس را تعطیل نموده و در خیابان ها دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند. این تظاهرات در اعتراض به قانون جدید انجام گرفت که بر اساس آن نیرو های ارتش و پلیس آزادی عمل پیشتری در مقابل و سرکوب اعتراضات توده های مردم بدست خواهند آورد. در این روز بیش از ۱۰۰ نفر توسط نیرو های ارتش و پلیس دستگیر شده و حداقل یک نفر از تظاهر کنندگان در اثر تیراندازی پلیس به قتل رسید.

خودداری خواهند نمود. در این مدت نمایندگان کارگران، تمام کشتی های را که مشکوک به استخدام غیر مجاز هستند را بازدید نموده و از خدمه این کشتیها خواهند خواست که برای دفاع از حقوق خود به عضویت اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل در آیند.

اعتراضات کارگری در استرالیا

اواسط ماه اکتبر لایحه جدیدی از سوی دولت استرالیا به مجلس این کشور ارائه خواهد شد. این لایحه شامل اصلاحاتی در قانون کار این کشور می باشد که براساس آن حقوق صنفی کارگران بیش از پیش محدود شده و دست سرمایه داران درزیپا گذاشتن قراردادهای دست جمعی بازهم باز ترخواهد شد.علاوه بر این تعداد اعضاً یک اتحادیه در هر کارخانه باید حداقل ۶۰ درصد کارگران را دربر گیرد و برگزاری اعتراضات در حمایت از اعتصاب کارگران دیگر کارخانه ها نیز برپایه این لایحه عملی غیر قانونی محسوب خواهد شد.

انتشار این خبر موجی از خشم و نارضایتی را در میان کارگران سراسر استرالیا دامن زد. شورای سراسری اتحادیه های کارگری استرالیا بلافاصله اعلام نمود که کارگران با تمام قدرت از دستاوردهای مبارزاتی خود، که در طول بیش از یک قرن اخیر به چنگ آورده اند، دفاع نموده و هرگز اجازه خواهند داد که دولت سرمایه داری با تصویب این لایحه، شرایط غیر انسانی را به کارگران استرالیا تحمیل کند. در همین راستا روز ۱۲ اوت بیش از ۸۰ هزار نفر از کارگران ساختمان، فلز کار، انبار و بنادر و خدمات بهداشتی در شهر ملبورن دست از کارگری شده و در خیابان های این شهر دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. روز ۱۸ اوت نیز نوبت به هزاران نفر از کارگران شهر Brisbane رسید که با تعطیل کارها و راه پیمایی در خیابان های شهر مخالفت خود را با این لایحه ضد کارگری را به نمایش گذاشتند. در این تظاهرات نماینده کارگران گفت: "در حالی که ما برای مقابله با اجحافات سرمایه داران باید صفوی خودمان را از طریق تشکل در اتحادیه های کارگری متعدد و فشرده کنیم، دولت سرمایه داران میکوشد که با ایجاد مانع در راه تشکل یابی صنفی ما، راه را برای ایجاد قشر" کارگران فقیر "در میان کارگران استرالیا هموار نماید. هم اکنون میلیونها نفر "کارگران فقیر" در آمریکا در شرایط سخت و غیر انسانی به کار و اداشته شده اند که اینهم چیز دیگری جزت بلور کارگران بی حقوق و غیر متشکل نیست".

کمک های مالی رسیده

۱۰۰ دلار آمریکا
۱۰۰ دلار استرالی
۲۰ دلار استرالیا
۳۰۰ کرون سوئد
۱۰۰ کرون سوئد
۱۰۰ کرون سوئد
۲۶۰ کرون سوئد
۱۵۰ کرون نروژ
۲ دلار آمریکا

بدون کد هوداران سازمان_ آکسیون روز فدائی
کمک مالی به نشریه کار
شـ_بـ به یار رفای فدائی، شهدا فضیلت کلام و پدر غلام
حمدیـ
فعالن سازمان در سوئد
فعالن سازمان در سوئد
فعالن سازمان در سوئد



اخبار کارگری جهان

اعتصاب ۱/۵ میلیون نفر در کلمبیا

روز ۲۱ اوت، بیش از ۱/۵ میلیون نفر از کارگران کلمبیا دست به یک اعتصاب عمومی زدند. اعتصایبیون خواستار توقف فوری مذاکرات دولت با صندوق بین المللی پول در زمینه دریافت وامی به میزان ۲۰ میلیارد دلار، توقف کامل سیاست های ضد کارگری دولت و توقف کامل خصوصی سازی ها شدند. به همراه کارگران، دهها هزار نفر از اعضاء و فعالیت سازمان های دمکراتیک و توده ای و کارگران کشاورزی و کشاورزان فقیر در این کشور به فراخوان اتحادیه سراسری CUT به این اعتصاب عظیم پیوستند. با این اعتصاب، مدارس، بیمارستانها و اکثر موسسات دولتی به تعطیلی کامل کشانده شده و وسائل حمل و نقل عمومی متوقف شدند. تعقیب آزار اذیت و دروغ اغلب موارد قتل فعالین کارگری تو سط گروههای شبه نظامی و جوخد های مرگ وابسته به رژیم سرکوبگرایان کشور بارها تو سط سازمان های مدافعان حقوق پسر محکوم شده و هرساله نام کلمبیا در راس کشورهایی است که مخالفین سیاسی در آن بدست گروههای تروریستی دولت کشته می شوند. برغم این واقعیت روشن، رهبران این اعتصاب عظیم نیز در لیست مرگ جوخد های مرگ بوده و در همین رابطه بیره شوری سراسری اتحادیه کارگران CUT روز اول سپتامبر مورد سو قصد قرار گرفت.

بحران اقتصادی کنونی در این کشور در ۷۰ سال گذشته بسیاره بوده و در حالیکه بیش از ۲۰ درصد از جمعیت فعل این کشور بیکار بدهی کلمبیا به کشورهای امپریالیستی مبلغی بالغ بر ۲۶۲ میلیارد دلار است.

اعتصاب صیادان در مراکش

روز ۱۵ سپتامبر هزاران نفر از صیادان زحمتکش صیادان اعتصاب تامحودی را در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کارخود و دستگیری سه تن از رهبران صیادان تو سط نیروهای دولتی آغاز نمودند. در میان دستگیر شدگان، رهبر اتحادیه صیادان مراکش، SMPC، است که در حمله نیروهای پلیس به اعتصایبیون دریکی از بنادر این کشور مجرح شده و سپس دستگیر شد. صیادان اعلام نمودند که تا آزادی رهبران خود به سر کار باز خواهند گشت.

هفت‌آکسیون سراسری در بنادر اروپا

از روز ۲۷ سپتامبر تمام کارگران بنادر اروپا در پاسخ به فراخوان اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل، ITU، به مدت یک هفته از تخلیه بارکشی هایی که کارگران خارجی را با پرداخت دستمزدهایی کمتر از دستمزد مورد توافق درقرار داده ای دسته جمعی، به کار و ادار می نمایند،

کارگران ، شوراهای اسلامی کار و تشکل های مستقل کارگری

اقتصادی تحقیق یابد!"

گردانندگان خانه کارگر و سایر عمال کارفرمایان و سرمایه داران، در این سلسه ظهار نظرها و اعترافات، بی آنکه شاید خود بدانند، بر پایان قطعی عمر شوراهای اسلامی کار و سایر تشکل های وابسته به رژیم مهر تائید زده اند. در طی بیست سال استقرار حکومت اسلامی و حدود ۱۵ سال بعد از تصویب و اجرای قانون شوراهای اسلامی کار و تلاش همه جانبه رژیم برای ایجاد اینگونه تشکلها در واحدهای توپولی بی ۳۵ کارگر به بالا، در بهترین حالت آنهم زمانی که این شوراهای هنوز تا بدین درجه رسوا و مفتخض نشده بودند، درنهایت تنها در هکثر ازیک سوم واحدهای توپولی مشمول ایجاد گردید. سر سپرده کان و مواجب بگیران حکومت اسلامی، اکنون که کوس رسوانی و بی اعتباری این ارگان ها و نه فقط این ارگانها بلکه کل حکومت اسلامی شان همه جا را پر کرده است واصل و موجودیت نظامشان روی هواست، و در عنین حال تشدید روند پشت کردن همان تعداد قلیلی از کارگران را که به این شوراهای پیوسته بودند، دیده و ضجه مرگ این ارگان هارا شنیده اند، موقعیت خود را حسابی در خطر و ازدست رفته می بینند. هرچند نمیگویند کارگران ازین تشکلها متفرقند، اما دست کم اذاعن میکنند که هیچگونه رغبتی به این تشکلها ندارند، معهدا برای حفظ موقعیت خود، تازه از ضرورت ایجاد شوراهای اسلامی، ایجاد "جادیه" و ترغیب کارگران برای شرکت در این نهادها صحت می کنند. حال دیگر اینکه در کارگرانی که ظرف سالها جذب این تشکلها نشده اند و اکنون بیش از پیش ماهیت عملکرد ارجاعی این ارگانها ضد کارگری را با پوست و گوش خود لمس کرده اند، چگونه باید ایجاد "رغبت" و "جادیه" نمود، این دیگر آن معماهی است که دست اندکارگران خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و سایر کارگزاران حکومتی باید به آن پاسخ دهدن. آنان در گردهم آئی خود چنین عنوان کردن که کم توجهی شان بمسائل صنفی کارگران و آغشته کردن شوراهای اسلامی کار با مطرح مسائل سیاسی، موجب بی اعتباری این تشکلها و روی گردانی کارگران شده است و چنین کردن که این بار می خواهد با عطف توجه بیشتر به مسائل صنفی، بخیال خود این قضیه را جبران کنند و شوراهای اسلامی کار را پر "جادیه" سازند! البته هر تشکلی که "واقعاً" کارگری و مستقل باشد نمیتواند و نباید نسبت به مسائل و مطالبات صنفی کارگران بی توجه باشد. اما مسئله بی اعتباری و بی آبروئی شوراهای اسلامی کار، "صرف" سیاسی بودن آنها نیست. مسئله اساسی نقش و وظیفه این تشکلها در محیط های کارگری است. مسئله این است که برغم آنکه ممکن است شوراهای اسلامی کار به این یا آن جناح حکومتی نزدیک تر باشد و در فلان کارخانه با مدیریت اختلاف داشته باشد، اما در همه حال وظیفه آنها جاسوسی در میان کارگران، جلوگیری از اعتراض جمعی

شناسائی و برطرف کنیم!"

بعد از مسئول کانون عالی شوراهای اسلامی کار، سخن ران دیگری بنام تاج الدین، دبیر اجرائی خانه کارگر و نماینده اصفهان در مجلس ارتعاج، ضمن تاکید بر "بیاز" رژیم به حضور و شکل شوراهای اسلامی کار در واحدهای کارگری میگوید "دست اندکارگران امور شوراهای اسلامی باید با جدیت بیشتری برای این تشکل اقدام نمایند و امروز قابل پذیرش نیست که کارگران، خدای نا خواسته دچار تزلزل شده باشند که رغبتی به تشکیل شورا نشان ندهند، بلکه باید اگر به چنین موردی برخورد کردیم عوامل و نقطه ضعفی در این مورد وجود دارد جبران کنیم!"

واقعیت آن است که بی اعتباری بیش از بیش شکل های وابسته و فرمایشی در نزد کارگران از یکسو، و جنب و جوش کارگران برای برپایی تشکل های مستقل کارگری از سوی دیگر، همه وابستگان به دستگاه حکومتی را به تکاپو انداخته است. آنها ضمن اعتراف آشکار به دوری گزیدن کارگران از این نوع تشکل ها و تحریم شوراهای اسلامی کار، هنوز در این خیال واهی بسیار بینند که میتوانند در کارگران ایجاد رغبت و اینگونه نمایند و این تشکل های ضد کارگری از این فرار سیده است، که مدتی است زمان انحلال آنها دفاع میکنند. بیهوده نیست که در همان اجلاس دورزده، نه فقط دست اندکارگران ایجاد رغبت و اینگونه نمایند و این تشکل های ضد کارگری را که مدتی است زمان انحلال آنها دفاع میکنند، بازسازی کنند. بیهوده نیست که در همان اجلاس اشتراک نظردارند و در روزنامه کار و کارگر هم انکاوس یافته است، موضوع نحوه برخورد کارگران بر سینه تمامی تشکل های وابسته و حکومتی دست رد زده اند و سیاست های رژیم مبنی بر مشکل نمودن کارگران در این تشکلهای ارتقا داری را، باشکست و ناکامی روپرداخته اند. یکی از محورهای اصلی بحث های این مدعیان دروغین دفاع از حقوق کارگر که جملگی روی آن اشتراک نظردارند و در روزنامه کار و کارگر هم انکاوس یافته است، موضوع نحوه برخورد کارگران نسبت به خانه کارگر و شورا های اسلامی کار است. معضل آنها این است که کارگران "انگیزه" ای برای شرکت در شوراهای اسلامی کار ندارند و هیچ گونه "رغبتی" برای ایجاد چنین تشکلهای از خود نشان نمی دهند. و البته مسئله آنها اینست که چگونه این وضعیت را تغییر دهن و برای ایجاد شوراهای اسلامی، در کارگران ایجاد انگیزه و رغبت کنند. بجا هرگونه اظهار نظری، بهتر است ابتداء این سخنان را با هم مرور کنیم.

آقای صادقی یکی از مسئولین کارگر و مستول کانون عالی شوراهای اسلامی کار، هنگام بررسی علل بی رغبتی کارگران به شوراهای اسلامی کار و در توضیح نقش خانه کارگر در این زمینه، به گفته کار و کارگر بعد از "شمردن بخشی از ضعف های بعضی تشکل های کارگری" میگوید "خانه های کارگر و مجموعه تشکل های کارگری نباید بگونه ای عمل نمایند که باعث همت و پشتکارگردی نسبت به ایجاد این تشکلها و متعاقب آن کانون های مربوطه اقدام نمایند" البته آقای شیخ که مدیر کل سازمان های هم مسئول، انگیزه رغبت کارگران به تشکیل شورا های اسلامی کار بوجود آید و سپس مجریان با همت و پشتکارگردی نسبت به ایجاد این تشکلها و متعاقب آن کانون های مربوطه اقدام نمایند" کارگری و هم کارفرمایی است، در عین حال چشم انداز این قبل تلاشها را نیز تصویر نموده و در زمینه بی ثمر بودن تلاش های خانه کارگر چنین اضافه می کند "برگزاری گرد هم آئی ها باید نتیجه داشته باشد در غیر این صورت در آینده خدای نخواسته دعوت ها در آینده بدون پاسخ می ماند" و در پایان نقط خود اظهار امیدواری می کند که در هر حال "با ایجاد تفاهم مابین کارگران و شوراهای اسلامی کار در نزد کارگران نیست" مسئله ای که در این میان این مشکلات محیط کار بر طرف گردید تا "توسعه

روزنامه کار و کارگر مورخ شانزدهم مردادماه، خبرداد که دبیران اجرائی و مسئولین کانون های هماهنگی شورا های اسلامی کار و جمعی از "مسئولین و متولیان کارگری کشور" ! یک گردهم آئی دوروزه در بین رانزی برقگزار نموده اند. در این گردهم آئی که توسط خانه کارگر سازمان دهی و ظاهرا" به منظور بررسی مسائل و مشکلات کارگری برپا شده بود، بسیاری از دست اندکارگران و مسئولین شوراهای اسلامی کار به بحث و سخن رانی پرداختند. اگر چه متن کامل این بحثها و سخن را نیها انتشار نیافرند، اطلاع از یکسو، و فرمایشی در خیلی فشرده و ابتدا چاپ رسانده است، معهذا از همین سخنان مختصر و ابتر هم بوضوح می توان به موضع کارگران در برابر شوراهای اسلامی کار پی برد و یکبار دیگر این حقیقت را دریافت که تولد کارگران بر سینه تمامی تشکل های وابسته و حکومتی دست رد زده اند و سیاست های رژیم مبنی بر مشکل نمودن کارگران در این تشکلهای ارتقا داری را، باشکست و ناکامی روپرداخته اند. یکی از محورهای اصلی بحث های این مدعیان دروغین دفاع از حقوق کارگر که جملگی روی آن اشتراک نظردارند و در روزنامه کار و کارگر هم انکاوس یافته است، موضوع نحوه برخورد کارگران نسبت به خانه کارگر و شورا های اسلامی کار است. معضل آنها این است که کارگران "انگیزه" ای برای شرکت در شوراهای اسلامی کار ندارند و هیچ گونه "رغبتی" برای ایجاد چنین تشکلهای از خود نشان نمی دهند. و البته مسئله آنها اینست که چگونه این وضعیت را تغییر دهن و برای ایجاد شوراهای اسلامی، در کارگران ایجاد انگیزه و رغبت کنند. بجا هرگونه اظهار نظری، بهتر است ابتداء این سخنان را با هم مرور کنیم.

آقای صادقی یکی از مسئولین کارگر و مستول کانون عالی شوراهای اسلامی کار، هنگام بررسی علل بی رغبتی کارگران به شوراهای اسلامی کار و در توضیح نقش خانه کارگر در این زمینه، به گفته کار و کارگر بعد از "شمردن بخشی از ضعف های بعضی تشکل های کارگری" میگوید "خانه های کارگر و مجموعه تشکل های کارگری نباید بگونه ای عمل نمایند که باعث بی رغبتی و حضور نماینده کارخانجات برای پیگیری امور مربوطه شود و خود کارگر هم که مراجعت کند نتیجه نگیرد" سپس نامبرده در توضیح علل این "بی رغبتی" چنین اضافه می کند "ما نسبت به مسائل صنفی خود کم توجه و ارکان کار را به رنگ و بوی سیاسی آغشته نمودیم و طبیعی است که در این صورت هم کارگران و هم تشکلهای آنان لطفه میخورد" صادقی بعد از این صحبتها که اعتراف بر بی آبروئی و بی اعتباری خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در نزد کارگران است، چنین اظهار نظر می کند که برای ایجاد "جادیه" در کارگران، باید "نقاط ضعف خود را

کوچ اجباری در افغانستان و تشدید فشار بروزنان

مل، در جریان این جایگائی زنان به علت مخالفت با دستورات نیروهای طالبان با شلاق های چرمی و سیمی مورد حمله قرار گرفته اند. علاوه براین، منبع فوق از گسترش سرکوب در سایر مناطق گزارش می دهد: در شهرهای که درمسیر عبور کاروان آوارگان و رانده شدگان اند، خانه ها و مغازه ها توسط نظامیان مورد غارت قرار می گیرد. به زنان تجاوز میشود و به زیر ضربات شلاق گرفته می شوند.

سالیان متتمادی است که گروه ها و دستگاه اسلامی عرصه را بروزنان تنگ کرده اند. این امر با تسلط طالبان بر ۸۰ درصد خاک این کشور، شدت یافت. محرومیت از ابتدائی ترین حقوق از جمله تحصیل و کار، فقر و فلاکت اقتصادی را در میان زنان به حد اعلی خود رسانده است. در حالی که طی سالهای گذشته بهای کالاهای اساسی به ۳ تا ۴ برابر افزایش یافته، زنان در فقر مطلق غوطه می خورند.

حکومت دسته جات و ازادی و اواباش اسلامی جز بدینختی و نکبت و سیاهی، ارمغان دیگری برای زنان در افغانستان نداشته است.

در اواسط سال جاری، حملات طالبان به نقاط شمالی افغانستان و تسلط بر مناطق فوق، موج جدیدی از قساوت و سرکوب را به دنبال داشت. این فشارها در حدی بود که سازمان ملل متحد و سایر نهاد های بین المللی مجبور به موضع گیری شدند.

روزهای ۱۳ و ۱۴ اوت سال جاری (برابر با ۲۳ مرداد ۷۸) طی یک عملیات ۳۶ ساعته دهها روستا توسط طالبان بمباران شد. خانه ها و مزارع به آتش کشیده شد و اهالی آواره و سرگردان کوه ها و بیابان ها شدند. هزاران تن مفقود یا سربی نیستند. سازمان ملل متحد از کوچ اجباری ۱۸۷ خانواده گزارش داده است که در نتیجه آن قریب به ۱۰ هزار تن از خانه و کاشانه خود رانده شده اند. این عدد اکثراً زنان و کودکان اند. مردان یا متواری شده یا در اسارت نیروهای سرکوبگرند.

نیروهای طالبان با زور، هزاران زن و کودک را بسوی کابل هدایت می کنند. در جریان این کوچ اجباری، صدها تن بدلیل "نافرمانی از دستورات" در معابر عمومی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. بنایه گزارش فرستاده ویژه سازمان

کارگران، شوراهای اسلامی کار و تشكیل های مستقل کارگری

کارگران، ایجاد تفرقه و دو دستگی در میان کارگران، خرابکاری و سنگاندزی برسرهای اتحاد کارگران است. سیاستی بودن آنها نیز در همه حال تابعی از سیاستهای ضد کارگری رژیم و جناهای آن است. کوشش های خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در بسیج کارگران برای جلب حمایت آنها به نفع جناح رفسنجانی و بعد هم جناح خاتمی، برهیج کارگری پوشیده نیست. بنابراین مسئله کارگران، سیاستی بودن شوراهای اسلامی کار نیست. مسئله اساسی سیاست حاکم یعنی سیاست طبقه استثمار کننده است که این شوراهای وظیفه پیشبردن آنرا بر عهده گرفته اند. بنابراین، توجه و یا عدم توجه شوراهای اسلامی کار به مسائل صنفی کارگران، تغییری در اصل قضیه ایجاد نمیکند. آنها مسائل صنفی را نیز همچون مسئله سیاسی و از زاویه منافع طبقه حاکمه دنبال میکنند. فراموش نباید کرد که دست اnder کاران خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، تحت فشار شرایط موجود و فشارهای طاقت فرسائی که برگردد کارگران وارد میشود، کاه به ناگزیر برخی حقایق را نیز بروزبازن می آورند و بعضًا اعتراض هم می کنند. از کاهش قدرت خرید کارگران، از عدم کفایت دستمزدها برای هزینه های زندگی، از رشد و گسترش بیکاری و محدودیت هایی که سازمان تامین اجتماعی برای کارگران ایجاد کرده است و مسائل مشابه آن نیز صحبت می کنند و بعاراتی وارد مسائل صنفی هم می شوند. اما اینها نیز همچو غیره تغییری در اصل قضیه و در نقش شوراهای اسلامی کار و سایر تشکل های رژیمی ایجاد نکرده و نمی کند. اعتراض آنها نیز فی الواقع بیشتر از این جنبه است که به کارگران و دولت آنها اعلام کرده باشد با اعمال اینگونه سیاستها و تشدید فشارهای اقتصادی برکارگران، دیگر اوضاع بکلی از دست آنها خارج شده و نمی توانند نقش خود را مانند گذشته ایفا کنند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که تمام هم و غمشان تامین سود بیشتر برای کارفرمایان و سرمایه داران بوده است و سعی کرده اند ضرورت وجودی خودشان را بین منظور، بطرق مختلفی به اثبات برسانند، اکنون که بر متن یک بحث حاد سیاسی و تشدید و خامت اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران، بلوی اعتراضات وسیع کارگری به مشامشان رسیده است، همه تلاششان این است که این اوضاع بحرانی را در برابر چشم سرمایه داران و کار فرمایان قرار دهند و در واقع از این طریق به آنان گوشزد کنند که در فکر چاره اندیشه باشند چرا که اکنون مجموعه اوضاع به چنان مرحله ای رسیده است که این تشکل های وابسته نیز دیگر نمی توانند وظائف محوله خود را انجام دهند و از آنان کاری ساخته نیست.

حقیقت قضیه آن است که طبقه کارگر ایران مدت هاست برسینه شوراهای اسلامی کار و سایر تشکل های رژیمی دست رد زده است، همانطور که بر سینه خود رژیم دست رد زده است. کارگران مدت هاست که عملای شوراهای اسلامی کار را تحریم کرده اند. شوراهای اسلامی کار اکنون

اعترافات آماری

روزنامه رسانی در اوخر مردادماه، با ارائه پاره ای ارقام، به اوضاع و خیم اقتصادی از جمله روند افزایش قیمتها، میزان رشد نقدینگی و افزایش کسری بودجه دولت اعتراف نمود. رسانی مبنی بر اینکه در سال ۷۵ میلیون درسلهای ۲۵ و ۷۷ به ترتیب ۲۸۶۸/۹ میلیارد ریال و ۱۷۷۱۲/۱ میلیارد ریال کسری بودجه وجود داشته است. میزان رشد نقدینگی در سال ۷۶ نسبت به سال ۷۵، ۲ درصد رشد داشته و در سال ۷۷ به ۲۷/۱ درصد رسیده است و حجم نقدینگی طی سالهای ۷۶ و ۷۷ به ترتیب ۱۳۴۲۸/۶ و ۱۷۰۷۲/۶ میلیارد ریال رسیده است. این روزنامه در رابطه با افزایش قیمتها در سال ۷۷ نیز مینویسد: در سال ۷۷ که ترتیب شاهد است و در سمت هائی چون ریاست کل زندانهای کشور، وزیر کار و نماینده مجلس فعالیت کرده است و هم اکنون نیز نماینده است که قبل از درخوب ملل اسلامی و حزب جمهوری اسلامی عضویت داشته و در سمت هائی چون ریاست کل زندانهای کشور، وزیر کار و نماینده مجلس و عضو کمیسیون کار و امور اجتماعی آن است. سایر اعضاء شورای مرکزی این حزب نیز تقریباً وضعیت مشابهی دارند که در میان آنها افرادی با سمت معاون اطلاعات، مشاور رئیس جمهور، نماینده مجلس، عضو سابق حزب جمهوری اسلامی، نماینده کارفرمایان در هیئت های حل اختلاف، مدیر کارخانه، رئیس سازمان مدیران و کارفرمایان، بیمه می شود.

بر سر راه اتحاد و تشكیل کارگران مانع ایجاد کنند و براین خیال اند که با پاشیدن رنگ صنفی برکالاهای بنجل خود، میتوانند آنرا به کارگران غالب کنند. برای مثمر ثمر واقع شدن اینگونه تلاشها اما دیگر خیلی دیر شده است. شوراهای اسلامی کار رنگ آمیزی شده نیز همچو کارگری را نخواهد فریفت و کمترین خلی در عزم کارگران به برپایی تشكیل های کارگری و مراکز تولیدی نخواهد کرد. زنده باد تشكیل های مستقل کارگری!

نه فقط در میان توده کارگران هیچ گونه "جازیه" ای ندارد، بلکه کارگران خواهان انحلال قطعی این ارگانهای جاسوسی اند. کارگران ایران هم اکنون جدی تر از گذشته در تاریک برقی تشكیل های مستقل خویش اند. آنان دارند تشكیل می شوند. کارفرمایان و سرمایه داران از مشکل شدن کارگران و حشت دارند. حکومت اسلامی و کار گزاران رنگارنگ آن در محیط های کارگری و مراکز تولیدی نیز از این موضوع ترسیده اند و می خواهند

جدائی دین از دولت، جزوی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است

پیام همبستگی تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) با شرکت کنندگان در مراسم سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

رفقا و دوستان!

ما امروز گردهم آمدہایم تا خاطره کسانی را گرامی بداریم که ۱۱ سال پیش دریک کشتار و حشیانه دسته جمعی، توسط جلادان حکومت اسلامی قتل عام شدند. هزاران زندانی سیاسی که بخاطر مخالفت با حکومت اسلامی، به خاطر دفاع از آزادی و دمکراسی، و به خاطر دفاع از آرمان کارگران، سالانه در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی بسربرده بودند، در اواخر تابستان و پائیز سال ۶۷ کشتار شدند تا مرتتعین حاکم، انتقام شکستشان در جنگ ارتجاعی را از توده های مردم بگیرند و هراسشان از جنبش های اعتراضی توده های مردم که میدانستند با پایان جنگ اوج خواهد گرفت اندکی کاوش یابد.

اما کسانی که با سلب ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی مردم، با شلاق و زندان و شکنجه و اعدام بر مردم حکومت کنند چگونه می توانند روی آرامش را بینند؟

سازمان حکومت با کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ در نده خوئی و سبیعت خودرا به نمایش گذاشتند، اما علیرغم این، حتی لحظه ای توانستند آتش اعتراض و مقاومت را خاموش کنند. طی ۱۱ سالی که از قتل عام زندانیان سیاسی میگذرد، شورشها توده ای، اعتراضات و اعتصابات کارگری، جنبش اعتراضی زنان، و جنبش دفاع از آزادی و دمکراسی یک دم سازن حکومت را راحت نگذانند، و بیش این مبارزات تا سرنگونی رژیم اسلامی ادامه خواهند یافت.

رفقا و دوستان!

با گسترش اعتراضات توده ای، حکومت اسلامی باز همان سلاح همیشگی ارتعاب و وحشت، دستگیری و شکنجه و اعدام روى آورد است. جان صدها تن که در اعتراضات دانشجوئی تیرماه دستگیر شده اند، در خطر است. خاطره مدافعان آزادی و سوسیالیسم را که در سال ۶۷ قتل عام شدند، با تشدید مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی که هر لحظه در خطر اعدام قرار دارند، و با تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی گرامی بداریم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

سپتامیر ۱۹۹۹

پیام همبستگی تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) با شرکت کنندگان در آکسیون اعتراض به موج جدید دستگیری و اعدام در ایران

رفقا و دوستان!

درودهای گرم ما نثار شما باد که علیه سرکوب جنبش توده های مردم ایران و علیه دستگیری، شکنجه و اعدام کسانی که در جنبش داشجوئی تیرماه شرکت شرکت داشته اند، پی خواسته اید. سران جمهوری اسلامی که در فریادهای تظاهرکنندگان خشمگین تهران و دهها شهر دیگر ناقوس مرگ رژیم شان را به گوش خود شنیدند، سلاح همیشگی ارتعاب و وحشت، دستگیری و شکنجه و اعدام را بکارگرفته اند تا جنبش اعتراضی مردم را به عقب براند. اما مردمی که از بیست سال سرکوب و اختناق، از فقر و گرسنگی و بیکاری، از تحقیر روزمره زنان و از عدم تامین ابتدائی ترین نیازهای جوانان به تنگ آمده اند، مصمم اند که تا سرنگونی حکومت اسلامی مبارزات خود را ادامه دهند. وظیفه ماست که از این مبارزات برق و عادلانه حمایت کنیم و با اعتراض به دستگیری، شکنجه و اعدام مخالفان حکومت، اجازه ندهیم که سران رژیم جهل و جنایت تعداد دیگری را قربانی کنند تا حاکمیت خویش را تداوم بخشند. وظیفه ماست که صدای اعتراض کارگران، زنان، جوانان، روشن فکران مدافع آزادی و عدالت اجتماعی در خارج از کشور باشیم، سازمان های بین المللی را به تلاش برای نجات جان دستگیر شدگان و اداریم و دولت های غربی را تحت فشار بگذاریم تا از حمایت سیاسی و اقتصادی از حکومت اسلامی دست بردارند و این رژیم ارتجاعی و ضد بشری را در مقابل توده های مردم ایران تقویت نکند.

رفقا و دوستان!

ما بار دیگر حمایت خود را از مبارزات شما اعلام میکنیم. ما ایمان داریم که در نبرد میان نیروهای بالند و پیشو این مدافعان آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی، با اردوی ارتجاع، سرکوب و استثمار، پیروزی از آن ماست.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

سپتامیر ۱۹۹۹

ضرورت بلوك چپ انقلابی و آلترا ناتیو حکومت سورائی

سازمان های دمکراتیک، چپ را برای انجام فلان آکسیون و گردهم آئی بسیج کرده و به دنبال خود کشیده اند. در بهترین حالت این چپ، دنباله رو سازمانهای دمکراتیک رادیکال ترین سازمان دمکراتیک، را نیز میدانیم که رادیکال ترین سازمان دمکراتیک، یک سازمان بورژوا _ دمکراتیک است، چرا که خواسته ایش از محدوده نظم موجود و مناسبات سرمایه داری موجود فراتر نمی رود. چپ انقلابی به این تلت تن می دهد، چرا که خود نا مشکل است، قدرت آنرا ندارد که خود ابتکار عمل را دوچرخه کشیده باشد و به جای این که تبدیل به سیاهی لشکر سازمان دمکراتیک شود، آنرا به دنبال خود و مواضع رادیکال بکشاند. آیا چپ انقلابی میتواند بر این وضع اسف بارگلیه کند، و برغم اختلافات درونی خود به نیروئی بالفعل قدرتمند و جدا "تأثیرگذار تبدیل شود که بتواند نیروهای حقیقتاً آن اصل بنیادین که می تواند نیروهای حقیقتاً چپ انقلابی را دریک اتحاد عمل پایداره صورت یک بلوك چپ انقلابی متحد سازد، سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و استقرار زحمتکشان یک قدرت شورائی خواهد بود، لذا آن اصل بنیادین که می تواند نیروهای حقیقتاً تبدیل شود که بتواند خطراتی را که از سوی جریانات بورژوازی متوجه جنبش انقلابی توده های کارگر و زحمتکش و انقلاب آنهاست خنثی کند؟ قطعاً این امر ممکن و عملی است. چپ میتواند برغم اختلافات خود به نیروئی بالفعل قدرتمند و جدا مستله انقلاب یعنی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و کسب قدرت توسط کارگران و زحمتکشان دریک اتحاد عمل پایدار، دریک بلوك چپ انقلابی

زنده باد سوسیالیسم

مبازه مورد تردید نیست، از جمله مطالبات دمکراتیک، رفاهی و آزادیخواهانه منوط به توافق نیروهای خواهد بود که بلوك چپ انقلابی را تشکیل خواهد داد. اما در هر حال جوهر متمایز کننده این بلوك، از بلوك ها و آلترا ناتیوهای بورژوازی، در نوع دولتی است که برای آن مبارزه میکند. اگر جریانات بورژوازی و چپ های لیبرال دنباله رو آنها در پیشترین حالت مجلس موسسات رامضطح می کنند، چپ رادیکال و انقلابی کنگره نمایندگان کارگران و زحمتکشان و حکومت شورائی را بدیل قرار میدهد.

بنابراین با توجه به بحران سیاسی موجود، و چشم انداز اعتلاء مبارزه توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی، چپ انقلابی برای این که بتواند به یک نیروی حقیقتاً تاثیرگذار تبدیل شود و بتواند در پیار آلترا ناتیوهای بورژوازی پاییست و از انقلاب و خواسته های توده های مردم دفاع کند راه دیگری جز این ندارد که در اوضاع کنونی هرچه سریع تر برای تشکیل چنین بلوکی اقدام کند. ما به سهم خود در این جهت اقدام خواهیم کرد و همه نیروهای انقلابی را که به منافع جنبش کارگران و زحمتکشان می اندیشند فرامیخواهیم، که مسئولانه در این جهت گام بردارند.

آکسیون های اعتراضی در خارج کشور در حمایت از مبارزات انقلابی دانشجویان در ایران

هلند_حمله به سفارت جمهوری اسلامی

روز ۲۷ سپتامبر در اعتراض به سرکوب مبارزات دانشجویان و اعلام خبر محاکومیت ۴ تن از دستگیر شدگان به اعدام، مرکز جاسوسی جمهوری اسلامی در لاهه مورد حمله فعالین سازمان فدائیان (اقلیت)، هواداران اتحادیه کمونیست ها (سربداران)، سازمان دانشجویان ایرانی (هوادار چریکهای فدائی خلق ایران) و جمعی از متفredین به نام "کمونیستهای انقلابی" قرار گرفت.

شرکت کنندگان در این آکسیون اعتراضی، با پرتاب بمبهای رنگی ساختمان سفارت را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن شیشه های ساختمان شکست.

سوئد _ از تاریخ ۱۹ اوت به دعوت "شورای حمایت از جنبش های مردمی" تحصیلی در دفتر حزب چپ در استکلهلم آغاز شد. این آکسیون ع خواست داشت که از جمله آزادی دستگیر شدگان وقایع اخیر در کوی دانشگاه، پیگرد قانونی عاملین و امریکن قتل های زنجیره ای و اعزام هیئتی برای رسیدگی به این موارد به ایران، بود. این تحصن تا ۴ سپتامبر ادامه یافت.

از این تحصن ۴۶ سازمان و تشکل سیاسی و دمکراتیک در سوئد، اروپا و آمریکا حمایت نمودند. حزب چپ سوئد نیزیا انتشار یک بیانیه مطبوعاتی، از این آکسیون حمایت نمود و از کلیه احزاب پارلمان این کشور خواست تا بررسی مسئله ایران را در دستور کار قرار دهد.

* _ در تاریخ ۱۰ سپتامبر، "شورای حمایت از جنبش های مردمی" اقدام به برگزاری یک تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی نمود که با استقبال فراوانی مواجه شد.

* _ پس از اعلام خبر صدور حکم اعدام چهارتن از دستگیر شدگان، "شورای حمایت از جنبش های مردمی در ایران" تظاهراتی برگزار نمود که از ساعت ۲ بعداز ظهر تا ۱۲ شب ادامه یافت. در جریان این تظاهرات، شرکت کنندگان تصمیم به برگزاری آکسیون های مداومی در سطح شهر استکلهلم گرفتند. بدینوال این تصمیم روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ سپتامبر نیز اعتراضات و تظاهرات های مشابهی برپا شد. خبر این آکسیون ها وسیعاً در رسانه های گروهی سوئدی و فارسی زبان انعکاس یافت.

کانادا _ روز ۱۹ سپتامبر، در اعتراض به حکم اعدام چهارتن از دستگیر شدگان وقایع دانشجویی، یک آکسیون اعتراضی در ونکوور کانادا برگزار شد که در آن بیش از ۱۵۰ تن شرکت نمودند.



برند، فعالین سازمان انتظامی داشتند که سازمان های ایرانی هنوز در صفحه انقلاب از متن ارائه شده توسط آنان لااقل در کلیاتش حمایت کنند. اما متأسفانه آنها یعنی راه کارگر، سازمان اتحاد فدائیان خلق و حزب دمکرات کردستان (سد جریان تشکیل دهنده کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی) ترجیح دادند از "اتحاد وسیع" سبزهای فرانسه پشتیبانی بعمل آورند و مهر خود را زیر فراخوان به تظاهراتی بگذارند که علاوه بر اینکه نشانی از موضع گیری علیه جمهوری اسلامی و جناح هایش در آن نیست، توسط جریاناتی از جمله سازمان "اکثریت"، نهضت مقاومت ملی (شاهپور بختیار)، جمهوری خواهان ملی، جبهه ملی و اشخاصی مانند ابوالحسن بنی صدر نیز امضا شده است. اینکه راه کارگر، اتحاد فدائیان خلق و حزب دمکرات کردستان تصمیم گرفتند با جریاناتی مانند نهضت مقاومت ملی و بنی صدر که در دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی به سرکوب و کشتن مردم پرداخته اند همکاری کنند مربوط به خود آنها می شود. ما به اندازه کافی آزادی خواهی دروغین جریانات سرکوبگر سایقاً در قدرت و سازشکارانی مانند "اکثریت" را افشا کرده و خواهیم کرد وریاد داشتن حافظه تاریخی مان از این پس هم خواهیم کوشید، اما کمیته اتحاد عمل برای "دمکراسی" چه پاسخی به توهه های وسیع کارگران و زحمتکشان ایران که برای سرنگونی رژیم جنایت کار اسلامی در کلیتش به میدان آمده اند و آنرا بدون کوچک ترین شکی به سرانجام خواهد رساند، ارائه خواهد داد؟...

ما تاکتیک درست را شرکت مستقل نیروهای انقلابی ایرانی و غیر ایرانی در تظاهرات روز سه شنبه ۲۸ سپتامبر از ساعت ۱۸/۳۰ در مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی در پاریس میدانیم. این آکسیون سازمان فدائیان (اقلیت) اعلام میکنند که برغم دعوت سبزهای از امضای اطلاعیه بی محظوظ و مماثلات جویانه این جریان امتناع نموده و برای دفاع از جان ۴ دانشجوی محکوم به اعدام و کلیه زندانیان سیاسی در ایران در صفحه مستقل وبا افشاء کلیه جناح های رژیم جمهوری اسلامی به همراه سایر نیروها و شخصیت های چپ و انقلابی اقدام خواهند کرد.

تحصیلی، مالی محروم میشود. ازکب پناهندگی محل سکونت اخراج و درخیابان رها میگردد. پس از اتمام چهار هفته، پناهگو بازداشت و زندانی خواهند شد تا ترتیب استرداد وی داده شود. طبق برآورده نهادهای پناهندگی، قریب به ۱۰۰۰ پناهگویان ملیت های گوناگون که هم اکنون در هلند بلا تکفاند و شناسنی برای دریافت پناهندگی ندارند مشمول قانون جدید خواهند شد. یکی دیگر از موضوعات مورد بحث دراجلاس کمیسیون امور پناهندگی پارلمان هلند، سرنوشت پناهگفت پناهندگی است که سال ها در انتظار دریافت پناهندگی هستند. اکثریت پارلمان هلند، موافق صدور اجازه اقامت برای پناهگویان ایرانی است که حدود سه سال بدون جواب پناهندگی درکمپ ها بسر می برند. جزئیات این مسئله همچنان در پرده ابهام است. اینکه چه کسانی و در چه مرحله ای از پروسه پناهندگی مشمول این قانون قرار میگیرند همچنان ناروشن است. حزب سوسیالیست و "سبزهای چپ" هلند خواهان تحریم رسیدگی به پرونده های ایرانیان شدند.

روز ۲۸ سپتامبر تظاهراتی در اعتراض به صدور حکم اعدام برای ۴ دانشجویی دستگیر شده در ارتباط با تظاهرات دانشجویی تبریز بگزارشند. حزب سبزهای فرانسه که فراخوان این تظاهرات را داده بود، تلاش داشت جریانات مختلف ایزویسیون ایران از جریانات بورژوازی گرفته، تا چهار را گرد هم آورد. فعالان سازمان ما که از جمله دعوت شدگان به جلسه بزرگ ای تظاهرات بودند و با انتشار اطلاعیه ای، بضرورت صف مستقل نیروهای چپ و رادیکال تاکید کردند. بخش هایی از این اطلاعیه را در زیر می خوانید:

* * * * *

کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی نیز

پرچم «اکثریت» و نهضت مقاومت ملی

پس از اینکه رژیم جمهوری اسلامی حکم اعدام ۴ دانشجو را تائید نمود، حزب سبزهای فرانسه ظاهراً برای راه انداختن کارزاری علیه این احکام، کلیه سازمانهای ایرانی حاضر در فرانسه را فراخواند. حزب سبزهای متین را پیشنهاد کرده و خواهان امضای آن بود. این متن عاری از هرگونه موضع گیری علیه جمهوری اسلامی می باشد و فقط به شرح مکومیت پرداخته است. آنان این مسئله را با قصد ایجاد "اتحاد وسیع" از نیروهای ایرانی (بخوان "وحدت کلمه"!!) توجیه نمودند.

به دعوت سبزها، فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در فرانسه در جلسه ای به تاریخ ۲۱ سپتامبر حضور یافتدند و متن دیگری را پیشنهاد نمودند که در آن به مسئولیت کلیه جناح های رژیم جمهوری اسلامی در زمینه کشتار و سرکوب، از جمله مکومیت به اعدام های اخیر اشاره شده بود. خود سبزهای بعنوان میکران جلسه مخالف متن بودند، بهاین بهانه که اگر این متن تصویب شود برخی از سازمان های امضاء کننده مانند "اکثریت"، جبهه ملی ایران، جمهوری اسلامی، نهضت مقاومت ملی، حزب دمکراتیک مردم ایران و جریاناتی از این دست در "اتحاد وسیع" شرکت نخواهند کرد. درواقع سبزهای میخواستند که نیروهای انقلابی را زیر چتر سازمانهای مذکور

پارلمان هلند دریکی از جلسات علنی سپتامبر خود، قانونی را تصویب نمود که شرایط پناهندگی درین کشور را دشوار ترمی کند. فعالان سازمان هلند، پیامون تضمیمات هلند حول امور پناهندگی اطلاعیه ای منتشر ساختند که بخش هایی از آن را می خوانید.

* * * * *

سیاست جدید پناهندگی در هلند، به

اخراج قریب به ۱۰۰۰ پناهجوی می انجامد!

روز دوشنبه ۲۰ سپتامبر پارلمان هلند با اکثریت آراء طرح وزیر امور پناهندگی را تائید نمود. طبق این قانون، از این پس هر پناهجوی تنها یک بار حق درخواست پناهندگی را خواهد داشت. لذا چنانچه پرونده متقاضی به دردیلی مختومه اعلام گردد، حق فرجم از او سلب میشود. پناهگویی که تقاضای پناهندگی اش رد شود، "پناهجوی نا خواسته" محسوب میگردد و باید ظرف چهار هفته هلند را ترک نماید. پناهگویان کلید امکانات حقوقی، درمانی،

جنپش دانشجوئی را با سرکوب نمی توان مهار کرد

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقفیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

I. S. V. W
Postfach 122
Postamt 1061, Wien
Austria

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

سروکوب حکومت اسلامی بمنظور تحریک احساسات مذهبی مردم و پرسیج نا اگاهان علیه دانشجویان ال م شنگه " توهین به مقدسات " را براه انداخت. هرچند که در این اقدام با شکست روبرو گردید و حتی مردمی که اعتقادات مذهبی دارند، به فرا خوانهای پی دربی و گسترده دستگاههای حکومتی و روحانیت برای اعتراض به دانشجویان و دفاع از " مقدسات " وقوع نتهاذد و تنها عمله و اکره خود رژیم و دستگاه روحانیت به مراد بورژوازی تجاری، در این نهایش " اعتراضی " شرکت کردند، معهدها رژیم چهارم دانشجویان را دستگیر و روانه زندان کرد. با یینهمه و برغم تمام این اقدامات ارتقای و سرکوبگراند، رژیم نه توائسته و نه می تواند جنبش دانشجوئی را مهار کند. و بالنتیجه همچنان در وحشت اوج گیری مجدد جنبش دانشجوئی پسرباز شد. این که برگم این سرکوبها، نارضایتی و اعتراض همچنان پا بر جاست، نشان دهنده این واقعیت است که تاکتیک های سرکوبگرانه رژیم برای معرفوب ساختن مردم، بیگر کارآئی گذشته خود را از دست داده است. رژیم دیگر نمیتواند با سرکوب و بگیر و بپند و ریختن مزدوران حزب الهی و سرکوب خود به خیابانها، جنبش های اعتراضی مردم از جمله جنبش دانشجوئی را مهار کند. جنبش دانشجوئی برغم موضع موجود در شکل های مختلف ادامه خواهد یافت. اما در اینجا باید به نکته ای اشاره کرد. انتظار این که جنبش دانشجوئی پیوسته در شکلی که تیرماه به آن رسید، تداوم یابد، تصور باطیل است. این جنبش نیز همانند دیگر جنبشهای مردمی، به حسب شرایط عقب نشینی و پیشروی خواهد داشت و منطقی برآن اشکال مختلفی بخود خواهد گرفت. اما یکچیز مسجل است که در اوضاع سیاسی موجود که همراه با یک بحران سیاسی است، این جنبش عمدها در شکل مبارزات شده اند. درست قائم تداوم خواهد یافت. جنبش دانشجوئی به تعرضات خود علیه رژیم ادامه خواهد داد و هنگامی بار دیگر نقش مهم و بر جسته آن آشکار خواهد شد، که کارگران و زحمتکشان به نبرد قطعی برای سرنگونی رژیم برخیزند. جنبش دانشجوئی برای این که بتواند به اهداف و مطالبات خود دست یابد، راه دیگری جزاین ندارد که به اعتلا جنبش توده ای کارگران و زحمتکشان مدد رساند.

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زبیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

୪୨ -୭୨ -୫୭୮୯୧୩୫୮

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 330 okt1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی